رعنا شکوهی ستا

# روزنگار من در عصر فناوری

روز اول

روز سوم

روز پنجم

روز دوم

روز چهارم

به طرف روزهای بهتر

بسم الله الرحمن الرحیم

In The Name of God

سازمان فناوری اطلاعات ایران
معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

این کتاب در پروژه "صیانت از کودکان و خانواده در اینترنت" به سفارش معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات
با همکاری پلیس فتا ناجا تهیه شده است.

# روزنگار من در عصر فناوری

گروه سنی نوجوان و جوان

کودک و اینترنت
صیانت از خانواده و کودکان
در برابر مخاطرات اینترنت

KIDS & INTERNET
For protection of family and
kids against internet risks

انتشارات عترت نو

## روزنگار من در عصر فناوری ■ نویسنده: رعنا شکوهی‌ستا

به سفارش:
سازمان فناوری اطلاعات ایران
معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات


سرشناسه: شکوهی ستا، رعنا، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدید آور: روزنگار من در عصر فناوری/ نویسنده رعنا شکوهی ستا؛ به سفارش سازمان فناوری اطلاعات ایران معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

مشخصات نشر: تهران؛ عترت نو، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.: مصور (رنگی)؛ ۲۲×۲۲ س م.

موضوع: تکنولوژی اطلاعات -- ادبیات کودک و نوجوانان

موضوع: Information technology -- Juvenile Literature

موضوع: فضای مجازی -- ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع: Cyberspace-- Juvenile Literature

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۴-۶۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

شناسه افزوده: سازمان فناوری اطلاعات ایران. معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹ر ۸ش/ T۹

رده بندی دیویی: ۶۰۳ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۵۳۱۲۰

■ ناشر: عترت نو
■ تألیف: رعنا شکوهی‌ستا
■ گرافیک و صفحه‌آرایی: سمیه اسدی
■ تصویرساز: ایمان امیری
■ ویراستاری: مؤسسه رویش قلم
■ مشاورطرح: علی محمد رجبی
■ ناظر و مجری طرح: شرکت فناوران توسعه امن ناجی
■ آدرس سایت: ceop.ir

■ شمارگان: ۱۰۰۰جلد
■ قیمت: ۲۰۰۰۰
■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۴-۶۱-۸
■ چاپ: سیمین پرداز کامه ۹-۶۶۴۸۱۶۳۸
■ نشانی: خیابان انقلاب،خیابان فخر رازی، خیابان نظری، کوچه فرزانه، پلاک ۱، واحد۱۳
■ تلفن: ۹-۶۶۴۸۱۶۳۸

# روزنگار من در عصر فناوری

گروه سنی نوجوان و جوان

## فهرست


مقدمه ۶
روز اول ۸
روز دوم ۱۰
روز سوم ۱۱
روز چهارم ۱۲
روز پنجم ۱۳
روز ششم ۱۴
روز هفتم ۱۵
روز هشتم ۱۶
روز نهم ۱۷
روز دهم ۱۸
روز یازدهم ۲۰
روز دوازدهم ۲۱
روز سیزدهم ۲۲
روز چهاردهم ۲۴
روز پانزدهم ۲۵
روز شانزدهم ۲۶
روز نوزدهم ۳۱
روز بیستم ۳۲
روز بیست و یکم ۳۳
روز بیست و دوم ۳۴
روز بیست و سوم ۳۶
روز بیست و چهارم ۳۸
روز بیست و پنجم ۳۸
روز بیست و ششم ۴۱
روز بیست و هفتم ۴۲
روز بیست و هشتم ۴۴
روز بیست و نهم ۴۶
روز سی‌ام ۴۸
روز سی و یکم ۴۹
روز سی و دوم ۵۰
روز سی و سوم ۵۲
روز سی و چهارم ۵۴
روز سی و پنجم ۵۶
روز سی و ششم ۵۸
روز سی و هفتم ۵۹
روز سی و هشتم ۶۲
روز سی و نهم ۶۴
روز چهلم ۶۶
کلام آخر ۶۸

# روزنگار من در عصر فناوری

## مقدمه

رشد سریع تکنولوژی و به‌ویژه پیشرفت روزافزون در حوزه‌های ارتباطی، ماهواره‌ها و اینترنت باعث تحولات پرشتاب در جوامع بشری گردیده و آثار مثبت و منفی فراوانی در پی داشته است. در این میان، آثار اینترنت و فضای مجازی در روابط اجتماعی بیش از سایر حوزه‌ها بوده و تغییرات و دگرگونی‌های زیادی را به‌وجود آورده است.

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت‌روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها، روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. روزانه میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می کنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. فضای مجازی در دنیای امروز، بسیار نفوذ کرده است. فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت، در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

در سال‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاورد اینترنت و فضای مجازی به دلایل مختلف از جمله نامحدود بودن ارتباطات، بی‌هویت بودن، آزادی بسیار زیاد، بی‌مکانی و بی‌زمانی کاربران و ... با اقبال عمومی مواجه شده و هرکدام به تناسب اهداف خود، فعالیت‌هایشان را گسترش داده‌اند.

فضای مجازی، در کنار مزایایی که دارد، آسیب‌های متعددی را با خود به دنبال داشته است که یکی از اصلی‌ترین آنها تغییر سبک زندگی و شکستن مرز باورها و ارزش‌هاست. در این کتاب برآنیم با تصویر روشن و مصداقی از سبک زندگی‌های متأثر از فضای مجازی، ترسیم صحیح از زندگی را ارائه دهیم. آموزش سبک زندگی صحیح، بدون حذف قطعی فضای مجازی رسالتی است که در عصر حاضر گره‌گشا خواهد بود تا فرد ضمن مراقبت در برابر آلودگی‌ها و اشتهای کاذب در فضای مجازی، بتواند با تفکر و معرفت، رفتار و گفتارش را جهت کمال انسانی منزه‌کند.

با توجه به اینکه به عدد «چهل» در خودسازی و پرورش استعدادهای انسان و کامل شدن ملکات اخلاقی و پیمودن درجات معرفت، اهمیت ویژه داده شده است، لذا در این کتاب در قالب چهل روز، به چهل نکته مهم برای استفاده از ابزارهای فناوری و حضور در فضای مجازی توجه می‌کنیم تا بهره‌برداری درست از این امکانات نوین را در خود نهادینه کنیم.

ان شاء الله

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز اول

اوایل که ارتباطات مجازی وارد عرصه‌ی فناوری شده بود جذابیت شگفت‌انگیزی داشت؛ خدماتِ رایگان، سرعت بالای ارسال پیام، امکان ارسال پیام صوتی و تصویری و ...

خلاصه، آن اوایل که خلوت بود، دوران شیرینی بود. به‌راحتی با دوست و آشنا در شهر دیگر یا کشور دیگر ارتباط برقرار می‌کردیم و با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان، اطلاعات منتقل می‌شد.

مشکل از آنجایی حاد شد که شبکه‌های اجتماعی همه‌گیر شد و انبوه کانال و گروه، مانند گیاه خودرو یا قارچ سبز شدند.

هر روز دوستان در گروه‌های جدید عضومان می‌کردند. صبح که از خواب بیدار می‌شدیم با تعدادی گروه جدید روبه‌رو بودیم که تا می‌آمدیم نگاهی به مطالبشان بیاندازیم، می‌دیدیم ظهر شد، شب شد؛ در چشم بر هم زدنی روز می‌گذشت.

چند صباحی که می‌گذشت و گذشته را مرور می‌کردیم، می‌دیدیم آن مطالب چندان هم به کار ما نیامده‌اند و ارزش وقتی را که از دست دادیم، نداشتند.

شاید برخی از مردم هنوز هم در آن شرایط روزگار می‌گذرانند ولی من بعد از چند هفته و چند ماه به این نتیجه رسیدم که هیچ دلیلی ندارد در انبوه گروه‌ها و کانال‌ها حضور داشته باشم. مگر انسان اگر در یک مهمانی سی نوع غذا باشد، از همه‌ی آنها می‌خورد؟

اگر میوه‌فروشی سر کوچه یک روز اعلام کند همه‌ی میوه‌ها رایگان است، همه‌ی مغازه را بار می‌زنیم و به منزل می‌آوریم؟

اگر یک روز کتابخانه‌ی محل یا دانشگاه اعلام کند استثنائاً امروز هر تعداد کتاب که بخواهید امانت می‌دهیم؛ آیا یک قفسه کتاب امانت می‌گیریم؟

اگر یک روز به سفر برویم و مدیر هتل اعلام کند چون شما مسافر برگزیده‌ی ما هستید، هر چند روز دیگر هم بمانید به‌رایگان مهمان ما هستید، تا ابد در آن هتل می‌مانیم؟

به‌طور معمول پاسخ همه‌ی پرسش‌های بالا «نه» است.

چون امکانات آدمی‌زاده محدود است؛ اساساً دنیا محدود است.

بنابراین آدم حتی در برابر انواع خدمات و محصولات که به‌سرعت و رایگان در اختیارش قرار می‌گیرند، باید خویشتن‌داری کند و فقط بهترین‌ها و مناسب‌ترین‌ها را انتخاب کند.

همان‌طور که به این درک رسیدم که سیستم گوارش من ظرفیت پذیرش هم‌زمان سی نوع غذا را ندارد، خانه و یخچال من امکان نگهداری صدها کیلو میوه ندارد، شرایط شغلی و مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی من امکان سفر مادام‌العمر را ندارد و....

باید به این درک نیز برسم که به‌هیچ‌وجه امکان حضور در انواع گروه‌ها و کانال‌ها را ندارم.

این اطلاعات در دسترس و در فضای مجازی موجود است و هر زمان نیاز داشته باشم، می‌توانم به آنها رجوع کنم.

هر زمان که بخواهید یک غذای شگفت‌انگیز تهیه کنید با چند دقیقه جست‌وجو می‌توان صدها دستور غذا پیدا کرد، پس لزومی ندارد در انبوه کانال‌های آشپزی عضو بود.

مگر من همه‌ی دارایی‌ام را به یک نفر می‌بخشم؟

«و الذین اذا انفقوا، لم یسرفوا و لم یقتروا»؛ بندگان خدای رحمان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری. (سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۷).

بدیهی است وقتی در اسلام حتی اسراف در انفاق جایز نیست، باید توجه دقیق‌تری به زمان داشت.

پس بدیهی است که این من هستم که برحسب اولویت‌ها و تخصص‌هایم باید تعیین کنم که در چه گروه و کانالی عضو باشم و فقط در مفیدترین و ضروری‌ترین‌ها حضور داشته باشم.

امام علی(ع) فرمودند: «ضابط نفسه عن دواعی اللّذات مالک و مهملها هالک»؛ کسی که نفس خود را در مقابل انگیزه‌های لذیذ نگاه می‌دارد، مالک تمایلات خویشتن است و آن کس که نفس سرکش را در راه نیل به لذایذ آزاد می‌گذارد، در معرض نابودی و هلاکت است. (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۴۷۹۹).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز دوم

امروز به مصادیق اسراف فکر می کردم.
در آیات و روایات تأکید زیادی شده است که انسان باید در جزئی ترین موارد مصرف نیز دقت کند، بخیل نباشد اما اسراف هم نکند.
مصادیق اسراف چیست؟

باز گذاشتن شیر آب،
خرید خوردنی های بیش از نیاز و در نهایت دور ریختن آن،
باز گذاشتن درب و پنجره ها در زمستان و هدر دادن انرژی،
و...
و....
یک باره به ذهنم رسید
چرا باید مودم وای فای همیشه روشن باشد؟
درست است که میزان برق مصرفی مودم کم است، ولی به هر حال اسراف است.

ضمن اینکه ضرر امواج آن نیز واضح و مبرهن است.
از امروز تصمیم گرفتم فقط در مواقع نیاز مودم را روشن کنم و قبل از خواب و قبل از خروج از منزل دقت کنم که مودم خاموش باشد.
«کلوا و اشربوا و لا تسرفوا، انّه لایحبّ المسرفین»؛
از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد (سوره ی اعراف، آیه ی ۳۱).
«و اهلکنا المسرفین»؛ اسراف کنندگان را هلاک کردیم (سوره ی انبیاء، آیه ی ۹).
«و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بآیات ربّه و لعذاب الاخرة اشدّ و ابقی»؛
و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است (سوره ی طه، آیه ی ۱۲۷).
امام صادق(ع) می فرمایند: «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون و القاء النوی»؛
کمترین حدّ اسراف دور ریختن ته مانده ی ظرف، ناچیز شمردن جامه ی تن و دور افکندن هسته ی میوه است. (وسائل الشیعه، ج۳، ص۳۸۴).
امام کاظم(ع) می فرمایند: «من بذّر و اسرف زالت عنه النعمه»؛
کسی که ریخت و پاش و اسراف کند، نعمت از او زایل می شود (بحار الأنوار، ج۷۸، ص۳۲۷).
امام صادق(ع) می فرمایند: «انّ مع الاسراف قلّه البرکه»؛
همانا اسراف کردن با اندک شدن برکت همراه است (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۲۶۱).
امام علی(ع) می فرمایند: «الاسراف مذموم فی کل شیء الاّ فی افعال البرّ»؛
اسراف در هر چیزی، به جز در کارهای نیک، ناپسند است (غرر الحکم، ج۱، ص۸۳).

## روز سوم

آزاده عکاس خوبی است و متخصص در عکس های سلفی جذاب و زیبا.
قبلاً برای پروفایلش تصویر گل و بوته می گذاشت ولی مدتی است عکس های پرتره بسیار زیبا از خودش می گذارد و هر دو سه روز عکس را عوض می کند. امروز یک عکس گذاشته است با یک لبخند خیلی ملیح و دوست داشتنی.
برایش پیام گذاشتم: «خانم گل، این عکس های دلبرانه تان، دل ما را برد. فکری بکنید برای ما که دلتنگتان می شویم و حتی هر از گاهی عکس را دانلود می کنیم و بزرگ شده ی آن را می بینیم. کم کم دارم وسوسه می شوم بروم یکی دو تا از عکسهایت را چاپ کنم و روی میز کارم بگذارم.»
در جوابم نوشت: «نه!!!
مگر دیگران می توانند عکس پروفایل را دانلود کنند؟
مگر می شود عکس را بزرگ کرد و به وضوح دید؟
مگر می شود عکس را پرینت گرفت؟»
در جواب نوشتم: «بله،
بله،
بله.»
نوشت: «نمی دانستم، تصور می کردم که فقط یک تصویر کوچک نمادین در کنار نوشته هایم خواهد بود.»
چند ثانیه بعد، عکس پروفایلش را عوض کرد.

## روز چهارم

در گروه مجازی دوستان مدرسه، یکی از اعضا پیام‌های سایر دوستان را با لحن تندی نقد می‌کرد. برخی افراد در مقام پاسخ‌گویی برمی‌آمدند و برخی به روی خود نمی‌آوردند. اما به هر حال این جریان تأثیر مخربش را بر دوستان داشت.

دو هفته قبل، یکی از اعضای گروه اعلام کرد که از این شرایط ناراضی است، بنابراین دیگر مطلبی منتشر نخواهد کرد، چون این برخورد تند را نمی‌پسندد.

امروز اتفاق ویژه‌تری رخ داد. یکی دیگر از اعضای گروه، گروه را ترک کرد و قبل از خروج از گروه اعلام کرد که به‌دلیل فضای پرتنش و جدلی که بر گروه حاکم شده است، تمایلی به حضور در گروه ندارد.

این موارد باعث شد دوست منتقدمان وجدان‌درد بگیرد،

چون سبب کدورت و گسست بین دوستان شده بود و از اعضای گروه خواست که این مسئله را بررسی و حل کنند. چند درس آموزنده جالب لابه‌لای نظرات بود:

۱. فضای مجازی روح و لحن ندارد و چه بسا وقتی نویسنده‌ی پیام با لحنی طنز یا در آرامش مطلبی را می‌نویسد، خواننده آن را با لحن عتاب و خشم می‌خواند و همین مسئله سبب کدورت و دلخوری می‌شود. پس بهتر است در نقد و بحث مطالب، سعی شود ادبیات مطلب و واژگان به کار رفته، القاکننده احترام و آرامش باشد. دقت در استفاده از واژگان به نحوی باشد که خواننده حس و حال آرام گوینده را از آن برداشت کند.

۱. در برخی مواقع استفاده‌ی اشتباه از استیکرها (برچسب) یا برداشت اشتباه از استیکرها سبب دلخوری می‌شود. بنابراین توصیه می‌شود از استیکرهایی استفاده شود که تصویر و متن در کنار هم هستند یا کاملاً واضح و بدون ابهام باشد.

۲. به تفاوت شخصیت و سلایق افراد احترام بگذاریم و اگر مطلبی در چارچوب اخلاقی است ولی مطابق سلیقه‌ی یک فرد نیست، نسبت به نقد آن اقدام نکنند و به سلایق دیگران احترام بگذارند.

«وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛

با یکدیگر نزاع مکنید که سست و پریشان‌خاطر خواهید شد و هیبت و اقتدارتان زایل خواهد گشت (سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۶).

امام علی(ع) می‌فرمایند: «مَن ضَنَّ بِعِرضِهِ فلْيَدَعِ المِراءَ»؛

هر کس آبروی خود را دوست دارد، باید از مجادله بپرهیزد (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «لا يَستَكمِلُ عَبدٌ حَقيقَةَ الإيمانِ حتّى يَدَعَ المِراءَ وإن كانَ مُحِقّاً»؛

هیچ بنده‌ای کاملاً به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر آن‌گاه که مجادله را رها کند، هر چند بر حق باشد (بحار الأنوار، ج۲، ص۱۳۸).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز پنجم

این روزها فضای مجازی مملو از مطالب تکراری است.

اکثر افراد تصور می‌کنند حق‌الناس صرفاً از جنس مادی است و اگر ما هزینه مادی را به کسی تحمیل کنیم یا اگر کم‌فروشی کنیم، حق‌الناس به گردنمان خواهد بود در حالی که سرمایه‌های یک فرد، صرفاً مادی نیست. «وقت» و «عمر» فرد مهم‌ترین سرمایه‌ی او است که قابل خرید و فروش نیست.

اگر هر یک از ما با دید حق‌الناس به وقت و عمر نگاه کنیم،

به‌راحتی هر پیام و عکسی را در فضای مجازی منتشر نمی‌کنیم،

ثانیه ثانیه‌های افراد را هدر نمی‌دهیم

و به‌احترام وقت افراد، مطالب خیلی خوب و ویژه منتشر می‌کنیم.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «حُرمةُ مالِ المُسلِمِ كَحُرمَةِ دَمِهِ»؛

حرمت داشتن مال یک مسلمان همچون حرمت خون و جان او است (مراعات آن بر همه واجب است) (میزان الحکمه، ج۲، ص۵۱۰).

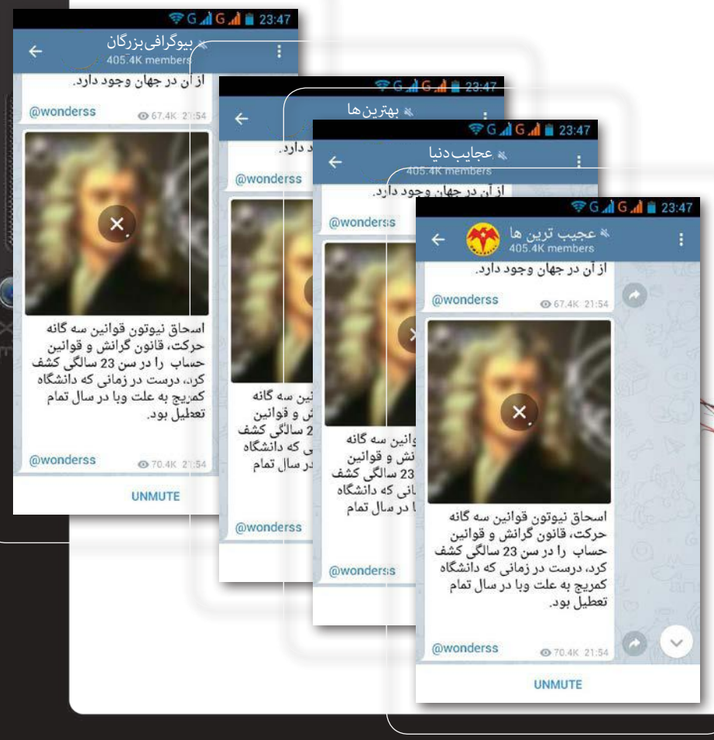

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز ششم

بر اساس برنامه‌ی ماهانه‌ی دورهمی فامیلی، امروز منزل مادربزرگ و پدربزرگ دعوت بودیم.

لحظه ورود به منزل دیدیم که کنار در، بر روی یک برگه نوشته شده است:

«سلام بر همه عزیزان

لطفاً گوشی همراه خود را در سبد زیر قرار دهید و از همراه داشتن آن در دورهمی خودداری کنید.

تصدقتان.

پدربزرگ و مادربزرگ.»

چند گل طبیعی زیبا هم به برگه چسبانده شده بود و زیر برگه یک سبد حصیری زیبا گذاشته بودند. چند گوشی تلفن همراه و تبلت نیز در آن قرار داشت که نشان می‌داد مهمان‌هایی که زودتر رسیده‌اند، از قانون میزبان پیروی کرده‌اند.

قیافه‌ی افراد هنگام ورود دیدنی بود. ابتدا از دیدن این پیام و آن سبد شوکه می‌شدند. اکثراً با اکراه درخواست میزبان را انجام می‌دادند ولی بعد از ورود به مجلس، کم کم به‌دنبال فعالیت و راهی برای سرگرمی و ارتباط با دیگران بودند.

یک لحظه به مجلس نگاه کردم و دیدم:

گروهی از پسرهای جوان مشغول مچ انداختن شدند. یکی از پدرها با چند تا بچه مشغول گل یا پوچ هستند. چند تا از خانم‌ها درباره‌ی تجربه‌های کدبانوگری صحبت می‌کنند و چند دختر نوجوان درباره‌ی کتاب‌های جدیدی که خوانده‌اند با هم حرف می‌زنند.

صحنه‌ی جالبی بود. مدت‌ها بود چنین صحنه‌ای را ندیده بودم.

اواخر مهمانی به پیشنهاد من، چند عکس یادگاری دسته‌جمعی کنار سبد تلفن‌های همراه گرفتیم تا گذران روز خود در فضای غیرمجازی را ثبت کنیم. پایان مهمانی، همه با هیجان از مادربزرگ و پدربزرگ بابت این روز ویژه، تشکر کردند.

امشب که با دقت بیشتری خاطرات روز را در ذهنم مرور می‌کردم، متوجه شدم امروز بعد از مدت‌ها بین بچه‌ها دعوا نشد و روزی شاد و بدون کسالت برای بچه‌ها بود.

امام هادی(ع) می‌فرمایند: «مُلاقاتُ الاِخوانِ نَشرَةٌ وَتَلقیحُ العَقلِ وَاِن کانَ نَزاراً قَلیلاً»؛

دیدار برادران سبب انبساط خاطر و باروری اندیشه است، هرچند کوتاه و اندک باشد (بحار الأنوار، ج۷۴، ص۳۵۳).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مازارَ مُسلِمٌ اَخاهُ المَسلِمَ فِی اللهِ وَلِلهِ اِلاّ ناداهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: اَیهَا الزّائِرُ طِبتَ وَ طابَت لَکَ الجَنَّةُ»؛

هیچ مسلمانی برادر دینی‌اش را در راه خدا و برای خدا زیارت نمی‌کند، مگر آنکه خدای متعال به او ندا می‌دهد: ای دیدار کننده! خوش به حالت، بهشت بر تو سزاوار و گوارا باد (اصول کافی، ج۲، ص۱۷۷، حدیث ۱۰).

## روز هفتم

امروز خانم و آقای همسایه را دیدم. هر دو آشفته حال و نگران بودند. جویای حال و احوالشان شدم؛ با دل‌نگرانی از دغدغه‌هایشان برایم گفتند:

«شنیدی داعش به ایران حمله کرده؟

گسل تهران هم اوضاع خوبی ندارد و تا چند روز دیگر زلزله بزرگی می‌آید؟

پیش‌بینی شده قیمت اجاره‌ی خانه تا ماه آینده دوبرابر می‌شود؟

و...»؛ انبوهی از شایعات.

خانم همسایه با بغض گفت: «چند شب است خواب به چشمم نمی‌آید. حالا داعش را چه کنیم؟ زلزله را چه کنیم؟ دو ماه دیگر موعد اجاره خانه را چه کنیم؟»

با آرامش پرسیدم: «این اخبار را از فضای مجازی کسب کردید یا منابع موثق خبری؟»

با تعجب نگاهی کردند و گفتند: «خوب خبر، خبر است. چه فرقی می‌کند که آدم از تلویزیون بشنود یا گروه مجازی؟»

گفتم: «اتفاقاً خیلی فرق دارد. برخی فقط شایعه است و با اهداف خاصی ساخته و منتشر می‌شود.

چند روزی تعداد گروه‌ها و کانال‌های مجازی‌تان را محدود کنید؛ به نحوی که منبع کسب اخبار شما نباشند. آن وقت خواهید دید چقدر تأثیر خوبی بر آرامشتان گذاشته است.

روز خوش.

ان‌شاالله امشب خوب بخوابید.»

«لا تقف ما لیس لک به علم، إنّ السمع و البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسئولاً»؛

به چیزی که علم و اطمینان نداری، اعتماد مکن و آن را بر زبان میاور، زیرا گوش و چشم و دل و اندیشه‌ی آدمی مسئول خواهند بود (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۶).

«فدع ما لا تعرف فان شرار الناس طائرون الیک بأقاویل السوء»؛

از نقل مطالبی که درباره آن اطلاع کافی نداری، پرهیز کن، زیرا مردان بدکردار، مطالبی بی‌اساس (شایعات) را [علیه من] به گوش شما می‌رسانند (نهج البلاغه، نامه‌ی ۷۸).

امام سجاد(ع) فرمودند: «لیس لک ان تکلم بما شئت»؛ هر گونه که دلت بدان مایل است، نمی‌توانی لب بگشایی.

امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «إیّاکَ وَ الاِذاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّئاسَةِ، فَإنَّهُما یَدْعُوانِ إلَی الْهَلَکَةِ»؛

مواظب باش از اینکه بخواهی شایعه و سخن‌پراکنی نمایی یا اینکه بخواهی به دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه‌ی آن گردی، چون هر دوی آنها انسان را هلاک خواهند نمود (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۶).

## روز هشتم

یک ماه پیش که به سفر عتبات رفته بودم، کانالی ویژه ساختم و هر روز عکس‌های سفر را در آن منتشر می کردم.
دوستی پیام فرستاد: «الآن در سفر زیارتی هستی؟»
گفتم: «بله، دعاگو هستم.»
گفت: «خیلی دعاگویمان باش. تا حالا مادرم توفیق سفر به عتبات نداشته است. با دیدن عکس‌ها و گزارش‌های مختصر تو، دلش به سمت حرم‌ها پر کشیده است. امیدوارم امسال بتوانم مادرم را به این سفر بیاورم.»
بعد از یک ماه، امروز تلفن زد و گفت: «من و مادرم، فردا عازم سفر عتبات هستیم.»
من بودم و استفاده پر برکت از فضای مجازی.

## روز نهم

امروز، یکی از آشنایان در قالب پیامی در فضای مجازی، سؤالی پرسیده بود.
بررسی کردم، جواب سؤال مفصل بود و خارج از حوصله‌ی تایپ.
تلفن زدم و درباره‌ی ابعاد و جزییات سؤالش، پرس‌وجو کردم و با حوصله و مفصل جواب دادم.
قبل از خداحافظی، گفت: «خیلی چسبید. چقدر خوبی که تلفن زدی. دلم باز شد. مدت‌ها بود با کسی تلفنی مفصل حرف نزده بودم.»
خداحافظی کردیم ولی دلم گرفت از اینکه هر چه فناوری پیشرفت کرد، برخی از بودن‌هایمان با هم کمرنگ‌تر شد.
از امروز با خودم قرار گذاشتم هر روز به یکی از آشنایان تلفن بزنم و صدایش را بشنوم و با لحن و صوتم ابراز محبت و دوستی کنم.

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز دهم

دایی حمیدرضا، چند سال قبل برای تحصیلات عالیه به یکی از کشورهای اروپایی رفته بود. حالا پس از اتمام دوره‌های تحصیلی و آموزشی، چند روز قبل به ایران باز گشت.

امروز نهار مهمان منزل ما بود. همه‌ی خاله‌ها و دایی‌ها نیز به‌همراه فرزندانشان دعوت بودند.

از راه که رسید بعد از کمی خوش و بش، سراغ بچه‌ها رفت و با دقت فعالیت‌های آنها را بررسی می‌کرد. بعد از کمی گپ و گفت، سَرِ درد و دلش باز شد.

خیلی نگران بچه‌های امروزی بود و از والدین امروز جامعه شاکی بود؛ شاکی از اینکه این‌قدر راحت موبایل و تبلت در سنین مختلف، دست بچه‌هاست و از اینکه والدین از سر چشم و هم‌چشمی یا پیروی از فضای اطرافشان، چشم‌بسته فرزندانشان را به نابودی می‌کشانند.

آن گروه از والدین امروزی، که راحت‌ترین روش بچه‌داری را در تبلت خریدن تعریف کرده‌اند، مورد مذمت قرار داد و کلی اندر عوارض و معایب دسترسی زودهنگام بچه‌ها به فناوری گفت. جالب این بود که بین بچه‌های ایران و اروپا مقایسه می‌کرد و اینکه در آنجا بچه‌ها چقدر زیبا بچگی می‌کنند و اینجا چقدر نازیبا.

نکته‌ی جالب اینکه بر اساس قوانین جدید اتحادیه‌ی اروپا، بچه‌ها قبل از سن شانزده سالگی اجازه‌ی ورود به شبکه‌های اجتماعی را ندارند.

دایی جان در حال توضیح بیشتر این معضل بود و من در ذهنم سبک زندگی معصومین را مرور می‌کردم.

ـ پیامبر (ص) با کودکان همبازی می‌شدند. با حسنین شترسواری می‌کردند و با کودکان در خیابان بازی می‌کردند.

ـ حضرت زهرا(س) برای حسنین شعر می‌سرودند و با آنها بازی می‌کردند و مسابقه برگزار می‌کردند.

ـ امام صادق(ع) با بچّه‌ها بازی می‌کردند.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «مَنْ کانَ عِنْدَهُ صَبِیٌّ فَلْیَتَصابَ لَهُ»؛
هر کس با کودک سروکار دارد، با او کودکانه رفتار کند (من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۴۸۳، حدیث ۴۷۰۷).

امام علی(ع) می‌فرمایند: «وَ حَقُّ الوَلَدِ عَلَی الوالِدِ أنْ یُحَسِّنَ اِسمَهُ وَ یُحَسِّنَ اَدَبَهُ، و یُعَلِّمَهُا القُرآنَ»؛
حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد، او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «اِنَّ اللهَ لَیَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّهِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ»؛
بدون تردید، خداوند بر بنده خود به‌خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می‌کند. (اصول کافی، ج۶، ص۵۰، حدیث ۵).

امام کاظم(ع) می‌فرمایند: «تُسْتَحَبُّ عَرامَهُ الصَّبیِّ فی صِغَرِهِ لِیَکونَ حَلیما فی کِبَرِهِ، ما یَنْبَغیاَنْ یَکونَ اِلاّ هکَذا»؛
خوب است بچه در کودکی بازی‌گوش باشد تا در بزرگ‌سالی بردبار گردد و شایسته نیست که جز این باشد. (همان، ص۵۱، حدیث ۲).

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اِنَّ التُّرابَ رَبیعُ الصِّبْیانِ»؛ خاک، بهار (تفریح‌گاه) کودکان است (معجم الکبیر، ج۶، ص۱۴۰، حدیث ۵۷۷۵).

## روز یازدهم

برخی دوره‌های آموزشی خوب و کمیاب هستند.
فقط یک استاد برگزارکننده دارند و فقط سالی یک بار برگزار می‌شوند.
امروز، بعد از مدت‌ها چشم انتظاری، قرار بود در یکی از این دوره‌ها شرکت کنم.
حدود یک ساعت از شروع دوره گذشته بود که تلفن همراهم زنگ زد،
جواب ندادم.
دوباره،
سه باره،
در نهایت پیام داد: «مشکل مهمی پیش آمده، مسئله‌ی فوری است. لطفاً جواب بده.»

من: «شرایط پاسخ گویی ندارم.»
او شروع کرد شرح مسئله و من هم پاسخ گویی و...
گفتم و گفت؛
یا به عبارت دیگر، نوشتم و نوشت.
هر چه تلاش کردم مسئله را خاتمه دهم، همچنان ادامه می‌داد،
تا جایی که دوره به اتمام رسید و استاد خداحافظی کرد؛
من ماندم و دنیایی افسوس برای فرصت آموزشی خوب از دست رفته.
اکنون که چند ساعت از ماجرا گذشته است به‌دنبال پاسخ این دو پرسش هستم:
۱. چرا باید توسعه‌ی فناوری آدم‌ها را به این سطح توقع برساند که فکر می‌کنند همیشه باید پاسخ گوی آنها باشیم؟
۲. چگونه باید با اطرافیان تعامل داشت تا تجربه‌های مشابه تکرار نشود؟

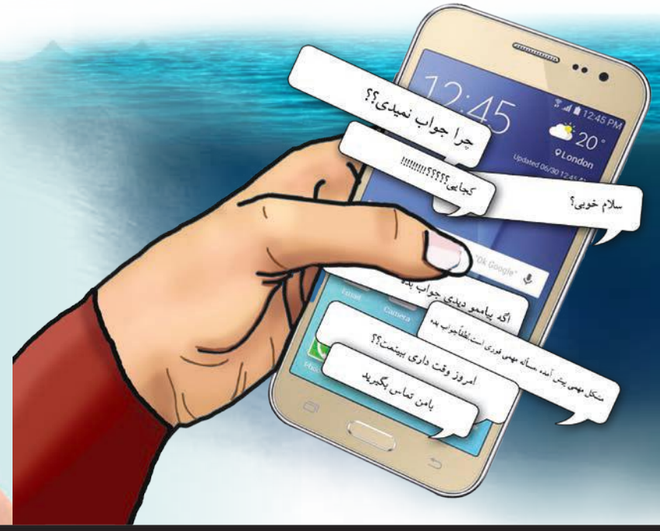


## روز دوازدهم

دختر جان در حال صحبت کردن بود، کارهایش را برای چند روز آینده برنامه‌ریزی می‌کرد و پیاپی از من قول همکاری می‌گرفت.
اوایل صحبت بود که یک‌باره توجهم به پیام‌های مهم روی دستگاه جلب شد، ناخودآگاه درگیر خواندن و پاسخ گویی به آنها شدم. وقتی کارم تمام شد، یک‌باره متوجه شدم دخترم چراغ اتاق مرا خاموش کرده و به اتاقش رفته و خوابیده است.
خدای من! کی حرفهایش تمام شد؟! چند قول از من گرفته که الآن یادم نیست؟ چند دقیقه است که خوابیده؟
من بودم و حال بدی که از این غرق شدن در دنیای فناوری سراغم آمده بود.

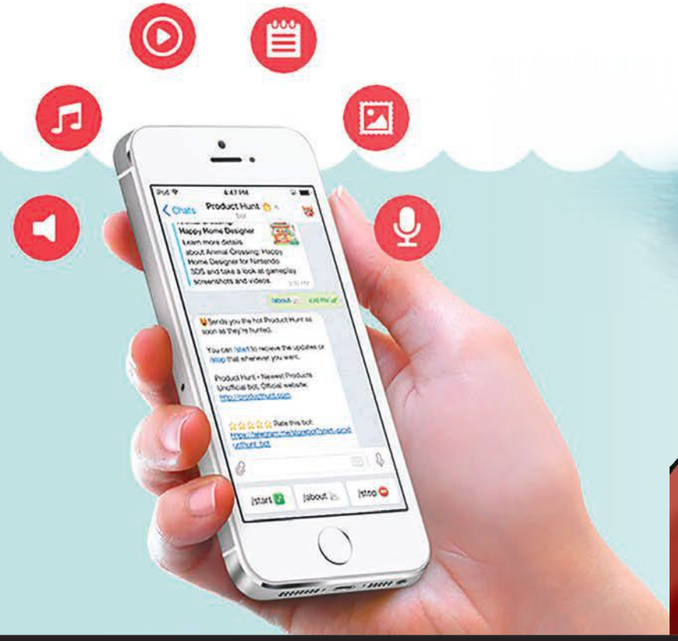

## روز سیزدهم

نزدیک ساعت ده صبح بود که تلفن زد.
بعد از احوال‌پرسی گفت: «مسئله‌ی مهمی پیش آمده که حتماً باید ببینمت.»
گفتم: «تشریف بیاورید.»
زمان را هماهنگ کردیم؛ برنامه‌ای برای آن ساعت داشتم ولی می‌شد راحت جا به جا کرد.
بالآخره آمد. از قیافه‌اش معلوم بود ذهن آشفته و روح ناآرامی دارد، ولی نمی‌داند چگونه سر صحبت را باز کند.
نیم‌ساعتی از این طرف و آن طرف حرف زد تا بالاخره به اصل مطلب رسید.
گفت: «مدتی است که هر از گاهی از روی کنجکاوی گوشی همسرم را بررسی می‌کنم.
دیدم برای عید تعدادی از همکارانش پیام تبریک فرستاده‌اند، اما برخی همکاران جنس مخالف بودند. یکی از پیام‌ها ادبیات صمیمانه‌ای داشت.
نفهمیدم کل عید را چطور گذاراندم. در ظاهر، در سفر بودیم ولی حالم خیلی بد بود.
سعی می‌کردم تا حد امکان با همسرم چشم در چشم نشوم.
سر خودم را به بازی با بچه یا تلویزیون یا پیاده‌روی گرم می‌کردم.
متن آن پیام صمیمانه را آن‌قدر خواندم که حفظ شده‌ام.»
پرسیدم: «شغل همسرت چیه؟ تا حالا شرایط شغلی مشابه آن را تجربه کردی؟»
درباره شغل همسر توضیح داد و اینکه خودش شرایط شغلی کاملاً متفاوتی دارد و حسب شرایط شغلی فقط با گروه همجنس، تعامل کاری دارد.
گفتم:
«برخی تعامل‌ها در برخی فضاهای کاری غیر عادی و قبح نیست و فرد از منظر احترام و رعایت ادب پیام تبریک می‌دهد، نه بر اساس نیت نازیبا.
ارسال یک پیام تبریک نوروزی نیز جزء همین دسته است.
این هم که برخی پیام‌ها متن صمیمی‌تری دارند ممکن است ناشی از این باشد که ارسال کننده متن را چندان دقیق نخوانده و فقط پیامی را فوروارد کرده است.»
حرفم را تأیید کرد اما دائم از حال بدش در تعطیلات نوروز می‌گفت، از اینکه بهترین روزهای اول سال صرف این دغدغه شده است.
در ادامه گفت: «الآن که از زاویه‌ی دیگری به مسئله نگاه می‌کنم، شاید برداشت‌هایم اشتباه بوده است.»
گفتم: «اما مسئله‌ی مهم‌تر،
شما با چه جواز شرعی یا اخلاقی سراغ گوشی همسرت رفتی؟؟
چرا باید سوء ظن داشته باشی که به‌دنبال کشف و اثبات آن باشی؟؟
چرا نباید به حریم خصوصی اطرافیانت احترام بگذاری؟»
سرش را به زیر انداخته بود، پاسخی نداشت.

«یا ایها الذین آمنو اجتنبوا کثیراً مِن الظّن انّ بَعْضَ الظّنِ اثمٌ»؛
ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی گمان‌ها، گناه است (سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۲).
«وَ لا تَجَسَّسوا وَ لا یَغتَب بَعضُکُم بَعضاً»؛
در کار دیگران تجسس نکنید و کسی از شما، غیبت دیگری نکند (همان)

# روزنگار من در عصر فناوری

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مَن أبصَرَ عَیبَ نَفسِهِ شُغِلَ عَن عَیبِ غَیرِه»؛
هر کس عیب خود را ببیند از پرداختن به عیب دیگران باز خواهد ایستاد (تحف العقول، ص۸۸).
امام علی(ع) فرمودند: «شَرُّ النّاسِ مَن کانَ مُتَتَبِّعاً لِعُیوبِ النّاسِ عَمیاً لِمَعایِبِه»؛
بدترین مردم کسی است که دنبال عیب‌های مردم باشد و کور عیب‌های خود (میزان الحکمه، ج۹، ص۴۲۱۸).
رسول اکرم(ص) فرمودند: «لا تَتَّبِعوا عَوراتِ المُؤمِنینَ؛ فَاِنَّهُ مَن تَتَبَّعَ عَوراتِ المُؤمِنینَ تَتَبَّعَ اللهُ عَورَتَهُ، وَ مَن تَتَبَّعَ اللهُ عَورَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَو فی جَوفِ بَیتِه»؛
عیب‌های مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هر کس در پی عیب‌های مؤمنان باشد، خداوند عیب‌های او را پیگیری می‌کند و هر کس خداوند تعالی، عیب‌هایش را جستجو کند، او را رسوا خواهد ساخت، گرچه درون خانه‌اش باشد (همان، ص۴۲۲۴).
امیرمؤمنان(ع) فرمودند: «ضع امر اخیک علی أحسنه حتّی یأتیک منه ما یغلبک و لا تظنّن بکلمه خرجت من اخیک سوءً و انت تجدلها فی الخیر محملاً»؛
کار برادرت را تا زمانی که چیزی از او به تو رسد که نظرت را عوض کند، نیک تصور کن و نسبت به سخنی که برادرت می‌گوید، بدگمان مباش و محملی از خیر برایش قرار ده (اصول کافی، ج۲، ص۳۶۲).
امام علی(ع) فرمودند: «مَنْ لَمْ یُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ کُلِّ أحَد»؛
هر کس خوش‌بین نباشد، از همه گریزان می‌شود.
(غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۵۳۳۳)

رسول خدا(ص) فرمودند: «شر الناس الظانون و شر الظانین المتجسسون و شر المتجسسین القوالون و شر القوالین الهتاکون»؛

بدترین مردم، بدگمان‌ها و فاسدترین بدگمان‌ها، تجسس کننده‌ها هستند و پست‌ترین تجسس کننده‌ها، پرگوترین آنها و بدترین پرگویان، هتاک‌ترین آنهاست.

سال نو مبارک
صدسال به این سالا

## روز چهاردهم

امروز نیم ساعتی می‌شد که فارغ از فناوری، در حال مطالعه‌ی کتاب بودم.
یک‌باره نگاهم به صفحه‌ی گوشی افتاد، چند صد پیام فقط در چند دقیقه، در یک گروه اجتماعی! آن‌هم گروهی که خودم مدیرش هستم!
شوکه شدم که چه اتفاقی افتاده است؟
هنوز وارد گروه نشده بودم که تلفن زنگ زد.
یکی از دوستانِ عضو همان گروه بود.
دستپاچه و با عجله احوال‌پرسی کرد و گفت:
«گوشی‌ام چند دقیقه‌ای دست بچه بوده، در حین بازی ناخواسته گزینه‌ای را فعال کرده و دستور ارسال تمام عکس‌های آرشیو گوشی به این گروه داده شده است.
برخی عکس‌ها خانوادگی است و برخی عکس‌های محرمانه‌ی مربوط به یک پروژه‌ی کاری است؛ اصلاً نباید کسی ببیند. لطفاً، سریع گروه را هم حذف کن.»
به‌خاطر ملاحظه‌ی شرایط دوستم مجبور شدم به‌عنوان مسئول گروه، اقدامات لازم را انجام بدهم.
ولی از خود می‌پرسم چرا ما نباید فضای حریم خصوصی‌مان را با دقت بیشتری تعریف کنیم؟
چرا نباید یک محل ذخیره‌سازی مناسب، ویژه و امن برای چنین اطلاعاتی داشته باشم؟
چرا خصوصی‌ترین اطلاعاتمان باید این قدر دم دست باشد؟

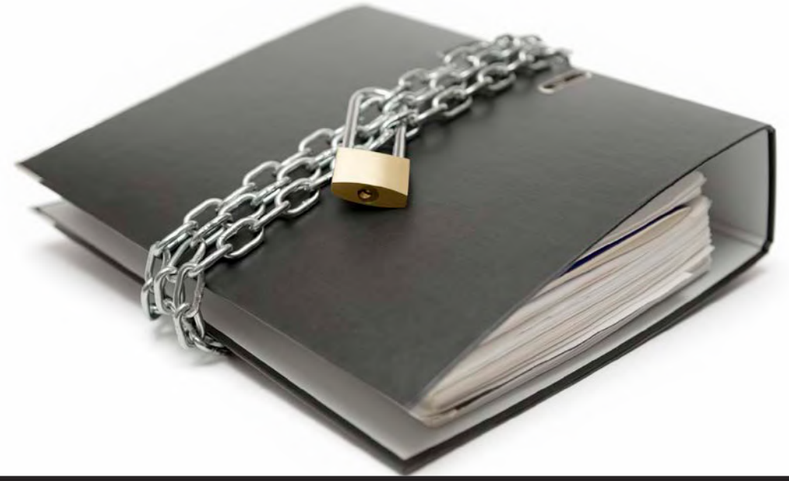

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز پانزدهم

یکی از مزایا و معایب فضای مجازی این است که اگر فعال باشی، همه می‌دانند هستی.
هستی به معنی بودن، بودن به معنی زنده بودن.
ولی نمی‌دانند آیا حال و احوال روحی یا جسمی‌ات خوب هست؟
آیا در بستر بیماری هستی یا در حال زندگی عادی؟
در شهر و کشور خودت هستی یا برای سفر تفریحی، مأموریت کاری یا درمان به شهر یا کشور دیگری رفته‌ای؟
حتی نمی‌دانند الآن که در فضای مجازی یک استیکر لبخند فرستاده‌ای، واقعاً از ته دل می‌خندی یا در حال اشک ریختن به حال مشکلات خودت هستی؟
در انبوه همین بی‌خبری‌ها است که می‌گوییم چقدر این روزها مرگ‌های غیرمترقبه و جدایی‌های یک‌باره زیاد شده است.
این‌ها در واقعیت یک‌باره اتفاق نیفتاده‌اند بلکه در ذهن ما یک‌باره اتفاق می‌افتند، چون تصور می‌کنیم وقتی صدای ناله‌ی کسی را به گوش نشنویم و به چشم نبینیم،
همه چیز در امن و امان است. این روزها باید وقتی را هم برای دیدار هم اختصاص بدهیم.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «مَثَلُ الاَخَوَینِ اِذا التَقَیا مَثَلُ الیَدَینِ تَغسِلُ اِحدیهُمَا الاُخری وَ مَاالتَقَی المُؤمِنانِ قَطُّ اِلاّ اَفادَ اللهُ اَحَدَهُمَا مِن صاحِبِهِ خَیراً»؛
مَثَلِ دو برادر دینی که یکدیگر را ملاقات می‌کنند مانند دو دستی است که یکی دیگری را می‌شوید. وقتی دو مؤمن با یکدیگر ملاقات می‌کنند، خداوند از یکی به دیگری خیر می‌رساند (محجه البیضاء، ج۳، ص۲۸۵).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «اَلزِّیارَةُ تُنبِتُ المَوَدَّةَ»؛
دیدار، دوستی‌آور است (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۷).
رسول خدا(ص) می‌فرمایند:
«الزّائِرُ اَخاهُ المُسلِمَ اَعظَمُ اَجراً مِنَ المَزوُرِ»؛
آن که برادر مؤمن خود را دیدار می‌کند پاداشی بزرگ‌تر از شخص دیدار شده دارد (میزان الحکمه، ج۴، ص۲۹۷).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز شانزدهم

امروز، یک روز پرخاطره و ویژه بود.

سال‌ها قبل، روزهای آخر مدرسه، شماره‌ی تلفن منزل دو نفر از معلم‌ها که بیشتر اهل معاشرت با دانش آموزان بودند را گرفته بودم. خب، آن روزها موبایل و ایمیل نبود و راه ارتباط فقط تلفن محل کار و منزل بود.

در این سال‌ها گاهی با سه-چهار نفر از هم کلاسی‌ها ارتباط هم داشتم.

البته بعد این سال‌ها، شماره‌ی تلفن همراه دوستان را نیز داشتم.

با توسعه‌ی فضای مجازی و امکان تشکیل گروه، دو سال قبل یک گروه اجتماعی متشکل از دو معلم و چهار دانش آموز از آن مدرسه ایجاد کردم.

با تشکیل گروه، ابتدا دوستان هیجان‌زده شدند. کم کم در صدد پیدا کردن سایر همکلاسی‌ها و معلم‌ها بر آمدند و گروه بزرگ‌تر شد.

طی این دو سال، با کمک امکانات فضای مجازی، چند دورهمی داشتیم؛ این روزها دیگر نیاز نیست مثل قدیم با تک تک افراد جداگانه هماهنگی کنیم بلکه هماهنگی و اطلاع‌رسانی‌ها در گروه انجام می‌شود.

پارسال، یکی از اعضا تاریخ تولد دوستان را پرسید و در نهایت جدولی از تاریخ تولدها آماده کرد. هفته‌ی گذشته یکی از دوستان به من گفت: «هفته‌ی بعد تولد خانم یعقوبی، دبیر جبرمان است. موافق هستی یک دورهمی داشته باشیم و من کیک بیاورم؟»

این باعث شد امروز یک دورهمی خیلی ویژه داشته باشیم. هم برخی افرادی که در دورهمی‌های قبلی حضور نداشتند را بعد از بیست و پنج سال دیدیم، هم به‌مناسبت تولد دبیر جبرمان، یک کیک خیلی ویژه همراه با غافل گیری نوش جان کردیم. امشب، دبیر عزیزمان در گروه پیام گذاشت:

«امروز یکی از بهترین روزهای زندگی‌ام بود.»

حالا من هستم و کلی حس خوب از قابلیت‌های عصر فناوری.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»؛
به‌راستی که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال «ادخال سرور» در قلب مؤمن است (اصول کافی، ج۲، ص۱۹۰).

همچنین امام باقر(ع) می‌فرماید: «مَا عُبِدَ اللهُ بِشَیْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»؛
محبوب‌ترین عبادت نزد خداوند شاد کردن دل مؤمن است (همان، ص۱۸۸).

رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَرَّنِی فَقَدْ سَرَّ اللهَ»؛
هر کس مؤمنی را شاد کند، من را شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است (همان، ص۱۸۸).

امام صادق(ع) فرمودند: «أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ(ع) إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِی لَيَأْتِينِی بِالْحَسَنَه فَأُبِيحُهُ جَنَّتِی فَقَالَ دَاوُدُ يَا رَبِّ وَ مَا تِلْكَ الْحَسَنَهُ قَالَ يُدْخِلُ عَلَى عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ سُرُوراً وَ لَوْ بِتَمْرَه»؛
خداوند به حضرت داود(ع) وحی کرد همانا اگر بنده‌ای از بندگان من حسنه‌ای را به درگاه من بیاورد من بهشتم را بر او مباح می‌کنم. حضرت داود علیه السلام پرسید: پروردگارا! آن چه کار خیری است؟ [که چنین پاداشی دارد] خداوند متعال فرمود: شاد کردن دل بنده‌ای از بندگان مؤمن من ولو با دادن یک دانه خرما به او (همان، ۱۸۹).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز هفدهم

دو هفته قبل دست دختر جان شکست و دکتر گچ گرفت.

اوایل خیلی از درد و ناتوانی در حرکات دست، بی‌قراری می‌کرد ولی به یمن عیادت‌کنندگان خوب، کم‌کم با مسئله کنار آمد. این چند روز برخی اقوام و دوستان به عیادتش آمدند و برخی هم با تماس تلفنی یا فضای مجازی احوال‌پرسی کردند.

امروز دختر جان پرسیدند: «همه‌ی فامیل خبر دارند که دست من شکسته است؟»

گفتم: «بله»

گفت: «پس چرا خاله جون عیادتم نیامد؟»

گفتم: «جویای حالتان بودند ولی مشغله‌شان زیاد بود، نتوانستند بیایند.»

بحث را ادامه نداد ولی معلوم بود قانع نشد.

به نظرم نمی‌شود بچه را توجیه کرد که برخی با ارسال پیام و استیکر ابراز هم‌دردی کرده‌اند، چون بچه دوست دارد روی ماه آشنایان را ببیند و چند ساعتی در هم‌نشینی با عیادت‌کنندگان، دردش کم‌رنگ‌تر جلوه کند.

حضرت موسی بن جعفر(ع) از طریق پدرانش از پیامبر(ص) نقل می‌کند: خداوند در روز قیامت بنده‌ای از بندگانش را بدین‌گونه سرزنش می‌کند: «بنده‌ی من! چرا هنگامی که بیمار شدم به عیادت نیامدی؟» آن بنده پاسخ می‌دهد: «پروردگارا! تو منزّهی از دردمندی و بیماری، تو پروردگار بندگان هستی و هرگز دردمند و بیمار نمی‌شوی!» خداوند می‌فرماید: «هنگامی که برادر مؤمن تو بیمار شد، از وی عیادت نکردی. به عزّت و جلالم سوگند اگر از وی عیادت کرده بودی، مرا نزدش می‌یافتی. سپس من تأمین نیازهای تو را بر عهده می‌گرفتم و آنها را برآورده می‌ساختم. این برای کرامت بنده‌ی مؤمن من است و من رحمان و رحیم هستم. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۷؛ مفاتیح الحیات، ص ۳۶۵).

امام صادق(ع) فرمود: «عودوا مرضاکم و سلوهم الدّعاء یعدل دعا الملائکه...»؛

از بیمارانتان عیادت کنید و از آنان درخواست دعا کنید که دعای آنان برابر با دعای فرشتگان است (مشکات الأنوار، ص ۲۸۱؛ مفاتیح الحیات، ص ۳۶۲).

امام سجاد(ع) در صحیفه‌ی سجادیه، برای دوستان و همسایگان چنین دعا می‌کند: «اللهمَّ صلّ علی محمّد و اله و تولّنی فی جیرانی و موالیَّ العارفین بحقّنا و المنابذین لاعدائنا بافضل ولایتک و وفّقهم لاقامه سنّتک و الاخذ بمحاسن ادبک فی ارفاق ضعیفهم و سدّ خلّتهم و عیاده مریضهم...؛

خداوندا! به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و مرا در ادای حقوق همسایگان و دوستانم که شناسای حق مایند و با دشمنان ما در ستیز هستند، به برترین وجه یاری ده و توفیقشان عطا کن تا سنت‌های مقدس تو را بر پای دارند و به آداب پسندیده تربیت شوند.

به آنان توفیق ده تا دست حمایت به سوی مستمندان پیش آورند و قوت خویش را در راه کمک ضعفا به کار برند، به دوستی تیره‌بختان برخیزند و از بیمارانشان عیادت کنند.»

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز هجدهم

مدیریت زمان، در عصر فناوری یک معضل پیچیده است. از یک‌سو سرعت ارسال مطالب و اخبار خیلی زیاد شده ولی از سوی دیگر، فضای مجازی به یکی از بزرگ‌ترین سارقان زمان تبدیل شده است.

غافل شویم، صبح شب شده، بدون کمترین بهره‌وری. حالا اگر دغدغه‌ی بطالت عمر داشته باشیم، باید به نحوی خودکنترلی در پیش بگیریم. با روش‌های مختلف باید سعی کنیم از اعتیاد یا وقت تلف کردن در فضای مجازی جلوگیری کنیم؛ از دور قرار دادن سیستم یا قطع اینترنت گرفته تا استفاده از نرم افزارها و اپلیکیشن‌های مدیریت حضور در فضاهای مجازی!

به هر حال، باید مروارید لحظه‌های عمر را ارزان نفروخت.

«یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فی جَنْبِ اللهِ...»؛
ای وای بر من که در انجام وظیفه کوتاهی کردم و جانب خدا را فرو گذاشتم (سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۵۶).

«قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّی أَعْمَلُ صالِحاً فیما تَرَکْتُ کَلاّ إِنَّها کَلِمَةٌ هُوَ قائِلُها»؛
پروردگارا! مرا برگردان شاید بتوانم به تدارک گذشته عمل صالحی انجام دهم (سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۰-۹۹).

امام علی(ع) می‌فرمایند: «مَنِ اشْتَغَلَ بِغَیْرِ الْمُهِمِّ ضَیَّعَ الأَهَمَّ»؛
هر کس به کار بی‌اهمیت بپردازد، کار مهم‌تر و لازم‌تر را تباه می‌کند (الحیات، ج۱، ص۳۰۸).

امام علی(ع) می‌فرمایند: «الفرصت تمرّ مرّ السّحاب، فاتهزوا فرص الخیر»؛
فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمارید (نهج البلاغه، حکمت ۲۱).

امام علی(ع) می‌فرمایند: «اضاعه الفرصه غصه»؛
ضایع کردن فرصت‌ها اندوه‌آور است (همان، حکمت ۱۱۸).

## روز نوزدهم

دانشجوهای عصر فناوری هم با دانشجوهای قدیم فرق کرده‌اند. امروز از دانشجوها خواستم تمرینشان را تحویل دهند. مِن و مِنّی کردند و یکی از میان جمع گفت: «استاد موعد تحویل تمرین امروز بود؟»

گفتم: «بله»

گفت: «ما نمی‌دانستیم.»

گفتم: «جلسه‌ی قبل تاریخ موعد تحویل را روی تابلو نوشته بودم. مگر یادداشت نکردید؟»

گفت: «روال کلاس این است که هر هفته، یک نفر مسئولِ ثبت تمرین‌ها است و در گروه مجازی نیز اطلاع می‌دهد. ایشان موعد تمرین را اعلام نکرده بود.»

خلاصه اینکه دانشجوها این هفته تمرین تحویل ندادند.

ولی باید چاره‌ای اندیشید که افراد همراه با توسعه‌ی فناوری به سمت بی‌مسئولیتی نروند.

هر کس در هر جایگاهی که هست باید به مسئولیت‌ها و حقوقی که بر گردنش هست، اشراف داشته باشد.

امام حسن(ع) فرمودند: «المسئول حرّ حتی یعد و مسترق المسئول حتی ینجز»؛
انسان تا وعده نداده، آزاد است اما وقتی وعده می‌دهد، زیر بار مسئولیت می‌رود و تا به وعده‌اش عمل نکند رها نخواهد شد (بحار الأنوار، ج۷۸، ص۱۱۳).

امام سجّاد(ع) می‌فرماید: «اعلَم رَحِمَکَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَیکَ حُقوقاً مُحیطَةٌ بِکَ فی کُلِّ حَرَکَةٍ تَحَرَّکتَها وَ سَکَنَةٍ سَکَنتَها اَو حالٍ حَلَّتَها اَو مَنزِلَةٍ نَزَلتَها اَو جارِحَةٍ قَلَبتَها اَو آلَةٍ تَصَرَّفتَ فیها فَاَکبَرُ حُقُوقِ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی عَلَیکَ ما اَوجَبَ عَلَیکَ لِنَفسِهِ مِن حَقِّهِ الَّذی هُوَ اَصلُ الحُقوقِ»؛
بدان که خدای عزّ و جلّ را بر تو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می‌زند و هر آرامشی که داشته باشی، در هر حالی که باشی، در هر منزلی که فرود آیی، در هر عضوی که حرکت دهی یا در هر ابزاری که در آن تصرّف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است. بزرگ‌ترین حقّ خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقّی که ریشه‌ی همه‌ی حقوق است.

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز بیستم

چند ماهی بود که شب‌ها زود خوابم نمی‌برد؛
وقتی به رختخواب می‌رفتم یکی-دو ساعت طول می‌کشید تا خوابم ببرد.
گاه با اینکه خیلی خوابم می‌آمد ولی انگار روح مبارک به هیچ وجه حاضر به ترک جسم نبود و اجازه نمی‌داد خواب به چشمم بیاید. همین باعث می‌شد برخی شب‌ها تا چند ساعت در حین چُرت زدن، مشغول چَت باشم.
دیروز در جلسه‌ای حضور داشتم. یکی از اعضا گفت:
«استفاده از فناوری، به خصوص دنیای مجازی، بعد از ساعت ده شب باعث کاهش تمرکز و باعث ناآرامی می‌شود که به کیفیت و عمق خواب لطمه می‌زند و حتی سبب بدخوابی می‌شود.
از سوی دیگر وجود وسایل الکترونیک در اتاق خواب، عوارض مخربی بر سلامت فرد، به خصوص کیفیت خواب دارد.»
همین گفته‌ها باعث شد با خودم قرار بگذارم
که عصر فناوری و دنیای مجازی را از ساعت ده شب تعطیل کنم.
نتیجه‌ی اقدام دیشب، شگفت‌انگیز بود. دیشب خیلی زود خوابم برد
و امروز وقتی برای نماز صبح، از خواب بیدار شدم خیلی سرحال بودم؛

سلام، صبح به خیر.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «اَلنَّومُ راحَهُ لِلْجَسَدِ وَ النُّطْقُ راحَهُ لِلرُّوحِ وَ السُّکوتُ راحَهُ لِلْعَقْلِ»؛
خواب مایه‌ی آسایش جسم، سخن مایه‌ی آسایش جان و سکوت مایه‌ی آسایش عقل است (من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۴۰۲).

پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «لا سَهَرَ بعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ إلا لاحَدِ رَجُلَینِ: مُصَلٍ او مُسافِرٍ»؛
بیدار ماندن بعد از وقت عشاء روا نباشد، مگر برای دو کس: نمازگزار یا مسافر.
(الخصال، ص۷۸، حدیث ۱۲۵).

## روز بیست و یکم

این گروه‌های مجازی فامیلی هم مزایا و معایبی دارند. اینکه افراد از حال و احوال خوش و نیمه‌خوش همدیگر خبر دارند و اینکه همه را می‌شود یک‌باره برای یک دورهمی دعوت کرد، از مزایای آن است؛ ولی تجربه‌های ناخوشی هم می‌تواند رقم بزند.
امروز منزل یکی از دوستان، دورهم جمع شده بودیم. همه در حال گپ و گفت و به اشتراک‌گذاری حس‌های خوبشان بودند. از سوی دیگر، میزبان سفره‌ی نهار را گسترده بود که یک‌باره دوستی از طریق گروه مجازی مطلع شد چند دقیقه قبل عموجانش فوت شده است. بنده‌ی خدا شوکه شده بود. حس و حال ناخوشایند ایشان فضای مهمانی را هم متأثر کرد.
به‌نظر می‌رسد در انتشار اخبار ناخوشایند باید هوشیارانه‌تر از فناوری استفاده کرد.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مَن اَحزَنَ مُومِناً، ثُمَّ أعطاهُ الدُّنیا لَم یَکُن ذَلِکَ کَفّارَتَهُ وَ لَم یُوجَر عَلَیهِ»؛
هر کس مؤمنی را اندوهگین کند، اگر در مقابل، همه‌ی دنیا را به او بدهد نیز کفاره‌ی گناه او نبوده و پاداشی برای کارش نمی‌گیرد (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۹، ص۹۹، حدیث ۱۰۳۳۶).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز بیست و دوم

یکی از آفت‌های فضای مجازی انتشار عمدی اخبار ناقص است.

بارها دیده‌ام که برای تخریب فرد یا گروه یا سازمانی، خبری را در فضای مجازی منتشر می کنند که کذب نیست ولی ناقص است.

این انتشار ناقص خبر، سبب ایجاد کدورت یا حس و حال منفی در خواننده نسبت به فرد یا گروه هدف می‌شود.

امروز در همین‌باره تجربه‌ی خیلی ویژه‌ای برایم پیش آمد. آن‌قدر خبر ناقص بود که باعث سوء برداشت در خواننده می‌شد. ناچار مدتی را برای گردآوری اخبار و اسناد صرف کردم تا به اطرافیان ارایه دهم تا از واقعیت اطلاع داشته باشند. واقعاً سوء استفاده‌ی خبری از رسانه‌های مجازی و ایجاد فضای مسموم، آفت بزرگی برای سلامت اخلاقی جامعه است.

امام علی(ع) فرمودند: «لَیسَ الکَذِبُ مِن خَلائِقِ الإِسلامِ»؛
دروغ‌گویی از اخلاق اسلام نیست] در اسلام دروغ‌گویی اخلاقی شمرده نمی‌شود[ (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۴۳۷۹).

امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «تَحَرِّی الصِّدْقِ وَ تَجَنُّبُ الْکَذِبِ اَجْمَلُ شیمَهٍ وَاَفْضَلُ اَدَبٍ»؛
راستگو بودن و پرهیز نمودن از دروغ، زیباترین اخلاق و بهترین ادب است (همان، حدیث ۴۲۹۴).

## روز بیست و سوم

اول صبح، یکی از دوستان پیامی در شبکه‌ی اجتماعی منتشر کرد. محتوای پیام غیرمستقیم از سابقه‌ی ناپسند چند نفر از افراد سرشناس خبر می‌داد؛ مطالبی که تاکنون نشنیده بودم. به نظرم صحت خبر باید بررسی می‌شد. بعید بود این چهره‌های سرشناس چنین سوابقی داشته باشند.

به آن دوست فرستنده، پیام دادم و پرسیدم: «شما از صحت این مطالب اطمینان داری؟»

گفت: «نه، با دیدن پیام شما، خودم هم شک کردم. شاید هم شایعه‌ای برای تخریب شخصیت افراد بوده است. الان مطلب را حذف می کنم تا ناخواسته سبب اشاعه‌ی شایعه‌ای نباشم.»

«إن الّذین یحبّون ان تشیع الفاحشةُ فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدّنیا و الآخره و الله یعلم و انتم لا تعلمون»؛

همانا کسانی که دوست دارند امر منکری را در میان اهل ایمان شیوع دهند، برایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (سوره‌ی نور، آیه‌ی ۱۹).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من سمع فاحشه فافشاها کان کمن اتاها و من سمع خیراً فافشاه کان کمن عمله»؛

کسی که از عملی منکر باخبر شود و آن را افشا کند، چنان است که خود، آن را انجام داده است و کسی که از کار نیک و شایسته‌ای مطلع گردد و آن را افشا نماید، بسان کسی است که آن را انجام داده است (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۶).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «اِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ اَخاهُ اِنْماثَ الایمانُ مِنْ قَلْبِهِ کَما یَنْماثُ الْمِلْحُ فِی الْماءِ»؛ هرگاه مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از میان می‌رود، هم‌چنانکه نمک در آب حل می‌شود (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۱، حدیث ۱).

رسید که در آن با آبروی کسی بازی شده بود، ما آخرین نفری باشیم که آن مطلب را دریافت کرده است، آن را برای هیچ کس ارسال نکنیم و خودمان نیز بخواهیم و سعی کنیم تا حد امکان از فضاهایی که مملو از مطالب این چنینی است، فاصله بگیریم.

امام سجاد(ع) فرمودند: «وَالذُّنُوبُ الّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ عِصْیانُ الْعارِفِ بِالْبَغیِ وَ التَطاوُلُ عَلَی النّاسِ وَ الاِسْتِهْزاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِیَّةُ مِنْهُمْ»؛
گناهانی که باعث نزول عذاب می‌شوند، عبارتند از: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم و دست انداختن و مسخره کردن آنان (معانی الأخبار، ص ۲۷۰).

امام صادق(ع) فرمودند: «اِنَّ مِنْ اَکْبَرِ السِّحْرِ النَّمیمَةَ یُفَرَّقُ بِها بَیْنَ الْمُتَحابَّینَ وَ یُجْلَبُ الْعَداوَةُ عَلَی الْمُتَصافِیَیْنِ وَ یُسْفَکُ بِها الدِّماءُ وَ یُهْدَمُ بِها الدُّورُ وَ یُکْشَفُ بِها السُّتورُ وَ النَّمّامُ اَشَرُّ مَنْ وَطِیءَ عَلَی الْاَرْضِ بِقَدَمٍ»؛
از بزرگ‌ترین جادوها، سخن‌چینی است، زیرا با سخن‌چینی میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یکدل با هم دشمن می‌شوند، به‌واسطه‌ی آن خون‌ها ریخته می‌شود، خانه‌ها ویران می‌گردد و پرده‌ها دریده می‌شود. سخن‌چین بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود (بحار الأنوار، ج۶۳، ص ۲۱، حدیث ۱۴)

امام علی(ع) فرمودند: «لا تَبتَهِجَنَّ بِخَطاءِ غَیرِکَ؛ فَاِنَّکَ لَن تَملِکَ الاصابَةَ اَبَداً»؛
از خطای دیگران هرگز شادمان مشو، زیرا تو نیز هرگز از خطا کردن مصون نیستی (غرر الحکم، حدیث ۱۰۲۹۴؛ میزان الحکمهٔ، ج۸، ص۳۳۳).

امام باقر(ع) فرمودند: «یَجِبُ لِلمُؤمِنِ عَلَی المؤمِنِ اَن یَستُرَ عَلَیهِ سَبعینَ کَبیرَةً»؛
مؤمن در برابر مؤمن وظیفه دارد که هفتاد گناه بزرگ او را بپوشاند (اصول کافی، ج۲، ص۲۰۷).

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «دَعْ مَنْ ذَهَبَ یَمیناً وَ شِمالاً، فَاِنَّ الرّاعِیَ یَجْمَعُ غَنَمَهُ جَمْعَها بِأَهْوَنِ سَعْی وَ إِیّاکَ وَ الإِذاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّیاسَةِ، فَاِنَّهُما یَدْعُوانِ اِلَی الْهَلَکَةِ»؛
آن که را به راست و چپ رود واگذار! به‌راستی چوپان، گوسفندانش را به کمتر تلاشی گرد آوَرَد. مبادا اسرار را فاش کرده و سخن‌پراکنی کنی و در پی ریاست باشی، زیرا این‌ها آدمی را به هلاکت می‌کشانند (تحف العقول، ص۴۸۶).

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «کَفاکَ اَدَباً تَجَنُّبُکَ ما تَکْرَهُ مِنْ غَیْرِکَ»؛
برای ادب تو همین بس که آنچه را که از دیگران نمی‌پسندی، از آن دوری کنی (بحار الأنوار، ج۷۸، ص۳۷۷).

## روز بیست و چهارم

عنوان پیام ارسالی در گروه این بود:
«فیلمی از آقای... در حالی که...»
مغزم سوت کشید از اینکه واقعاً به کجا چنین شتابان؟!
چه عاملی اجازه می‌دهد فیلم‌های افراد در محافل خصوصی را بدون رضایت آنها منتشر کنیم؟
آیا این نوع کارها، از مصادیق سخن‌پراکنی از نوع مدرن نیست؟
آیا برخی از این نوع کارها، از مصادیق تمسخر نیست؟
آیا برخی از این نوع کارها، از مصادیق پرده‌دری نیست؟
آیا برخی از این نوع کارها، از مصادیق برملا کردن خطاها و گناهان دیگران نیست؟
علاوه بر همه‌ی موارد بالا،
آیا دوست داریم یک نفر دائم از ما فیلم تهیه کند و برای همه منتشر کند؟
امیدوارم همه تصمیم بگیریم اگر شایعه، عکس یا فیلم خصوصی یا مبتذلی در فضای مجازی به ما

## روز بیست و پنجم

امروز یک دورهمی خانوادگی با دوستان داشتیم.
همه چیز این دورهمی‌های خانوادگی خوب است، جز قسمت سرگرم کردن بچه‌ها.
به خصوص که در جمع، چند بچه بودند که ظاهراً اصلی‌ترین روش کاربردی خانواده برای سرگرم کردنشان موبایل و تبلت بود.
کم کم داشت این سرگرم شدن با موبایل و تبلت در بین جمع مسری می‌شد؛ به‌طوری که بقیه‌ی کودکان هم تصور می‌کردند حتماً باید چشم به یک مستطیل بدوزند.
برای برنامه‌ی امروز، به خانواده‌ها اعلام کردم: لطفاً یک برنامه‌ی غیرمستقیم طراحی کنند که موبایل و تبلت را در مهمانی در اختیار بچه‌ها قرار ندهند. از سوی دیگر، چند اسباب‌بازی متناسب برای گروه سنی‌های مختلف و چند صفحه کاغذ روزنامه به مهمانی بردم.
ساخت کاردستی‌های مختلف با کاغذ روزنامه و بازی با اسباب‌بازی‌های جدید و متنوع، چند ساعت ویژه، شاد و به یادماندنی برای بچه‌ها رقم زد.
واقعاً حیف نیست روزهای شاد کودکی را که می‌توان صرف انواع تجربه‌های جذاب و خلاق کرد، در لابه‌لای فناوری هدر رود؟!

## روز بیست و ششم

در عصر فناوری یک نفر خبطی یا گناهی مرتکب می‌شود، جماعتی در کمتر از یک ثانیه آن را رسانه‌ای می‌کنند.
بعضی نقل کننده گناه دیگران هستند و این کارشان در شیوع فحشا و منکرات از اصل گناه بدتر است.
آیا می‌پسندیم که دیگران چنین رفتاری نسبت به ما داشته باشند؟

«کَفاکَ أَدَباً تَجَنُّبُکَ ما تَکْرَهُ مِنْ غَیْرِکَ»؛
در مقام ادب برای تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی‌پسندی، خود، از آن دوری کنی. (بحار الأنوار، ج۷۸، ص۳۷۷؛ مسند الإمام العسکری، ص۲۸۸).
خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إنّ الّذین یحبّون ان تشیع الفاحشةُ فی الذین امنوا لهم عذاب أَلیم فی الدّنیا و الاخرة و الله یعلم و انتم لاتعلمون»؛
کسانی که دوست دارند زشتی‌ها را در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است... (سوره‌ی نور، آیه‌ی ۱۹).
ما از رابطه‌ی عبد و معبود بی‌خبریم، چه بسا خدا از آن خطا گذشته و ما به بی‌آبرویی رقم زده باشیم؛
«الـهی إنْ کانَتِ الْخَطایا قَدْ اَسْقَطَتْنی لَدَیْکَ، فَاصْفَحْ عَنّی بِحُسْنِ تَوَکُّلی عَلَیْکَ»؛ خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته، به‌خاطر حسن اعتمادم بر تو، از من درگذر (مناجات شعبانیه).
پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مَنْ کَشَفَ عَوْرَةَ اَخیهِ الْمُسْلِمِ کَشَفَ اللهُ عَوْرَتَهُ حَتّی یَفْضَحَهُ بِها فی بَیْتِهِ»؛
هر کس عیب و زشتی برادر مسلمان خود را فاش کند، خداوند زشتی او را آشکار سازد، تا جایی که در درون خانه‌اش نیز رسوا شود (میزان الحکمه، حدیث ۱۴۸۰۶).
امام علی(ع) می‌فرمایند: «اَمَقُّ النّاسِ العَیّابُ»؛
دشمن‌ترین مردم، عیب‌جویان هستند (غرر الحکم و درر الکلم).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «مَن سَتَرَ اَخاهُ فی فاحِشَةٍ رَاها عَلَیهِ سَتَرَهُ اللهُ فی الدُّنیا وَالاخِرَةِ»؛
هر کس از برادر خود کار زشتی مشاهده کند و آن را پوشیده نگه دارد، خداوند در دنیا و آخرت عیب‌پوش او باشد (کنز العمّال، حدیث ۶۳۹۲؛ میزان الحکمة، حدیث ۱۴۷۹۲).
پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «مَن تَتَبَّعَ عَثَراتِ أَخیهِ تَتَبَّعَ اللهُ عَثَراتِهِ وَمَن تَتَبَّعَ اللهُ عَثَراتِهِ یَفضَحهُ»؛
هر کس به دنبال لغزش‌های برادرش باشد، خدا لغزش‌های او را پیگیری می‌کند و هر که خدا لغزش‌های او را پیگیری کند رسوایش می‌کند (اصول کافی، ج۲، ص۳۵۵، حدیث ۵).

## روز بیست و هفتم

امروز یکی از فعالان خیریه تلفن کرد و از شرایط نامساعد فرد نیازمندی خبر داد. باید خیلی فوری برای گردآوری کمک هزینه اقدام می‌شد.
یک پیام نوشتم و ضمن شرح مسئله، یک شماره‌ی کارت بانکی اعلام کردم تا علاقمندان مبلغ مورد نظر را تا آخر شب به آن حساب واریز کنند. سپس پیام را برای گروه‌های مجازی مختلف ارسال کردم.
شکر خدا، از برکات عصر فناوری در مدت چند ساعت افراد زیادی مطلع شدند و اقدام کردند و مسئله به‌موقع حل شد.

در دو سال اخیر، با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تعامل با افراد نیکوکار برای گردآوری وام یا انفاق به نیازمندان، تسریع شده است.
قرآن کریم می‌فرماید:
«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرات»؛
در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جویید.
(سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸).

«وَ أَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ لاَ تُلْقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَهِ وَ أَحْسِنُواْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛
در راه خدا انفاق کنید و (با ترک انفاق) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۵).
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لاَ بَيْعٌ فِيهِ وَ لاَ خُلَّةٌ وَ لاَ شَفَاعَةٌ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُون»؛
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی کردیم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که نه کسی برای گشایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید؛ و کافران همان ستمگرانند (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۵).
«أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الأَرْضِ»؛
ای اهل ایمان! انفاق کنید از بهترین آنچه اندوخته‌اید و از آنچه برای شما از زمین می‌رویانیم. (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۷)
«إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقَاتِ وَ أَقْرَضُواْ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»؛
همانا مردان و زنانی که در راه خدا به فقرا صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند، خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و با لطف و کرامت به آنها پاداش عطا کند (سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۸).

«مَن جَاءَ بِالحَسَنَه فَلَهُ عَشرُ أَمْثَالِهَا وَ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَه فَلا يجْزَى إلا مِثْلَهَا وَ هُمْ لا يُظْلَمُون»؛
هر کس کار نیکو انجام دهد، او را ده برابر آن پاداش خواهد بود و هر کس کار بدی انجام دهد، بیش از کار بدش کیفر نخواهد داشت و بر آنها ستمی نخواهد رفت (سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۰).

«وَ مَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛
هر چیزی را که در راه خدا انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است (سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۳۹).

امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «خَصْلَتانِ لَيْسَ فَوْقَهُما شَيْءٌ: اَلايمانُ بِاللّهِ وَ نَفْعُ الاخْوان»؛
دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران (تحف العقول، ص۴۸۹؛ بحار الأنوار، ج۷۵، ص۳۷۴، حدیث ۲۶).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز بیست و هشتم

امروز دختر جان سؤالی پرسید، من بین دو جواب شک داشتم. با جستجو در فضای مجازی پاسخ را پیدا کردم. یاد دوران مدرسه و تحقیق درس ادبیات افتادم.

آن سال‌هایی که دنیای مجازی نبود و برای چند صفحه تحقیق بارها و بارها به کتابخانه‌های مختلف مراجعه می‌کردم.

برخی کتاب‌ها مرجع بود و فقط در محل کتابخانه می‌شد از آنها استفاده کرد و باید ساعت‌ها وقت می‌گذاشتم و از آنها رونویسی می‌کردم، برخی دیگر را هم با وجود حجم و وزن سنگین، امانت می‌گرفتم.

هر چه از پیشرفت تکنولوژی می‌گذرد، بیشتر مشخص می‌شود که این شمشیر دولبه چقدر می‌تواند مفید یا مضر باشد.

حتی فقط در زمینه‌ی مدیریت زمان، از یک‌سو کاری که در گذشته ساعت‌ها وقت و هزینه‌های بسیار صرف خود می‌کرد را می‌توان در زمان کوتاهی انجام داد، و از سوی دیگر اگر غافل شویم ساعت‌ها، روزها و هفته‌هایمان بیهوده در عصر فناوری به امور لغو هدر می‌رود.

قرآن کریم می‌فرماید [از صفات برجسته اهل ایمان این است که:

«و الّذینهم عن اللغو معرضون»؛

از لغو و بیهودگی روی گردانند (سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۳).

«وَالَّذِينَ لا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَاماً»؛

کسانی هستند که گواهی دروغ نمی‌دهند و هنگامی که به لغو و بیهودگی برخورد کنند، از کنار آن بزرگوارانه می‌گذرند (سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۲).

«قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و الغو فیه لعلکم تغلبون»؛

کسانی که کافر شدند گفتند به این قرآن گوش ندهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید پیروز شوید (سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۲۶).

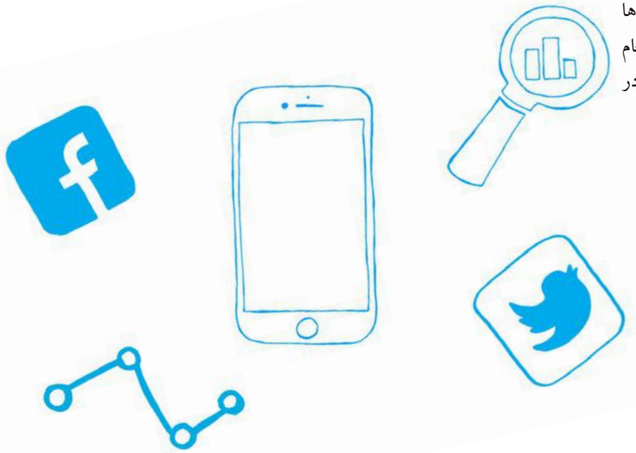

«مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْتَرِی لَهْوَ الْحَدیثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛

برخی از مردم، سخنان بیهوده‌ی سرگرم کننده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند. (سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۶)

«وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ»؛

چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم (هرزه‌گوی) نادان را نمی‌طلبیم (سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵۵).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «اعظم الناس قدراً، من ترک ما لا یعنیه»؛

ارزشمندترین انسان‌ها کسی است که آنچه برای او سوی ندارد را ترک کند (الأمالی الصدوق، ص ۲۱).

## روز بیست و نهم

امروز دوستی پیامی ارسال کرد که سه سال پیش آن را دیده بودم و همان موقع هم تکذیب شد.
به دوستم پیام دادم:
«عزیزم این مطلب شایعه است و چند سال قبل تکذیب شد.»
قبول نکرد. جستجو کردم و متن تکذیب آن خبر و دلایل علمی مسئله را پیدا کردم و برایش فرستادم.
ولی ایشان عصبانی شد و نوشت:
«سرت را از کتاب‌ها بیرون بیاور و دنیا را ببین. بیا در بین مردم زندگی کن.»
متحیر شدم.
انگار برخی آدم‌ها دوست دارند اخبار را بنابر ذائقه‌شان بخوانند و منتشر کنند، نه بر اساس صحت و سقم آن.
با توجه به لحن پیامش، فهمیدم الآن زمان مناسبی برای ادامه نیست، چون معلوم است دوست محترم از جایی عصبانی هستند و ممکن است ادامه‌ی مطلب سبب جدل و تندی شود. اما تصمیم دارم چند روز بعد که خلقش روبه‌راه بود، بگویم:
«عزیزم سرت را از رسانه‌ها بیرون بیاور و کمی زندگی کن.
آخر مگر چقدر عمر می‌کنیم
که بخشی از آن را به خواندن اخبار کذب و انتشار آن و جدل برای دفاع از آن بپردازیم.»

«وَ الْکاظِمینَ الْغَیْظِ و الْعافینَ عَنِ النّاسِ وَ اللهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنین»؛
فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم، خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۴).
حضرت امام حسین(ع) فرمودند: «بحث و گفتگوهایی که به مراء و خصومت منتهی می‌شود از چهار صورت خارج نیست:
یا تو و طرف گفتگویت به حقیقت مورد بحث عالم و آگاهید و با این حال با یکدیگر جدل می‌کنید، در این صورت شما با بحث و مجادله دوستی خود را ترک گفته‌اید، خواستار رسوایی شده‌اید و به علم خود اعتنا نکرده و آن را خوار شمرده‌اید.
یا آنکه تو و طرف مقابلت از موضوع مورد بحث چیزی نمی‌دانید و هر دو از آن ناآگاه و بی‌اطلاعید، در این صورت شماها با بحث و جدل نادانی خود را آشکار می‌سازید و از روی جهل با یکدیگر مخاصمه می‌کنید.
یا آنکه تو مطلب مورد بحث را می‌دانی و طرف مقابلت نمی‌داند، در این صورت با ادامه‌ی بحث به رفیق خود ستم روا می‌داری، زیرا می‌خواهی لغزش او را آشکار سازی و با سخنان خود وی را خجلت زده و شرمسار نمایی.
ـ یا آنکه طرف بحثت مطلب را می‌داند و صحیح می‌گوید و تو نمی‌پذیری، در این صورت حرمت او را رعایت نکرده‌ای و به قدر و منزلتش در سخن حقی که می‌گوید ارج ننهاده‌ای.
در هر چهار صورت، جدال و بحث خصومت‌انگیز فاسد و باطل است و افراد با فضیلت هرگز مرتکب آن نمی‌شوند» (مستدرک الوسائل، ج۲، ص۹۸).

حضرت امام علی (ع) فرمودند: «اللِّجاج أکثر الأَشیاءِ مُضِرَّهُ فِی العَاجِلِ وَ الآجِل»؛
ضرر زودرس و دیررس لجاجت و خودسری، از زیان هر چیزی بیشتراست (غررالحکم، حدیث۸۹۹۷).
حضرت امام باقر(ع) فرمودند: از اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش این بود که فرزند عزیز، کسی که با گناهکار شریک شود راه ناپاکی را از وی یاد می‌گیرد، کسی که مجادله را دوست داشته باشد مورد فحش و دشنام واقع می‌شود، کسی که در جایگاه‌های بد نام قدم بگذارد متهم خواهد شد، کسی که با رفیق بد همگام گردد از فساد اخلاق سالم نمی‌ماند، کسی که مالک زبان خود نباشد سرانجام پشیمان خواهد گشت.
(بحار الأنوار، ج۵، ص ۳۲۲).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز سی‌ام

چند ماه قبل در یک کارگاه آموزشی یک روزه تدریس می کردم. اوایل جلسه بود که مسئول برگزاری دوره خواست یک دستگاه ضبط صدا روی میز بگذارد.

از او خواستم که از ضبط صدا خودداری کند؛

از او اصرار و از من امتناع، تا جایی که کمی دلخور شد و گفت:

«من همه‌ی کلاس‌ها را ضبط می کنم و در گروه تلگرام دانشجویان منتشر می کنم.

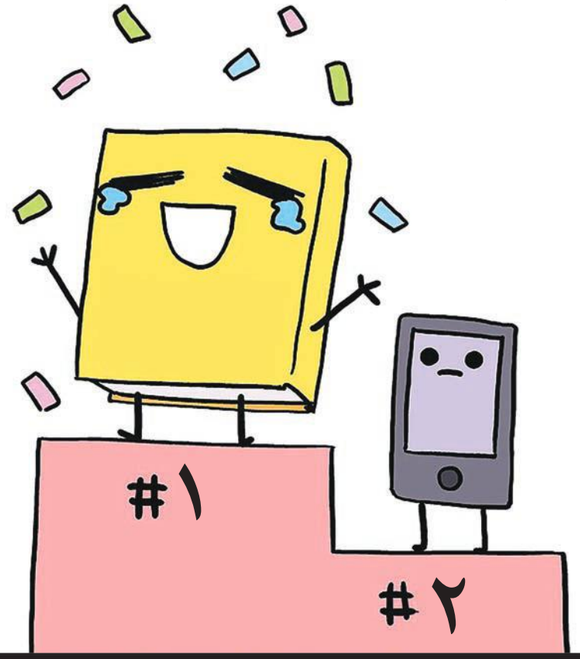


اگر می‌دانستم شما اجازه‌ی ضبط نمی‌دهید اقدام دیگری می کردم.»

من هم گفتم:

«تجربه‌ی تدریس‌های متنوع به من نشان داده که آفات ضبط صدا بیشتر از مزایای آن است. اگر هنگام دعوت روال دوره را گفته بودید حتما شرایطم را می گفتم.»

آن جلسه گذشت، اگرچه باز هم موقع نهار، در جمع خصوصی، مسئول برگزاری دوره از این مسئله ابراز نارضایتی و دلخوری کرد.

امروز بعد از مدت‌ها، دوباره برای آن مجموعه تدریس داشتم.

لحظه‌ی ورود به کلاس اعضای کلاس گفتند:

«با اینکه راهمان دور بود ولی چون شنیدیم شما اجازه‌ی ضبط دوره را نمی‌دهید حضور پیدا کردیم.»

نیم ساعتی که از شروع جلسه گذشت همه‌ی صندلی‌ها پر شد و اعضای جلسه مشارکت خوبی نیز در مباحث داشتند.

معلوم بود اعلام قبلی مسئولین جلسه برای عدم امکان انتشار فایل صوتی تدریس، سبب مشارکت حداکثری دانشجویان شده است.

## روز سی و یکم

هراز چند گاهی باید کرکره دکان فناوری را پایین کشید.

چند روزی بدون اینترنت و تب لت و لپ تاپ زندگی کرد؛ تلفن همراه هم فقط برای کاربرد اصلی‌اش، یعنی تماس‌های ضروری.

شاید چند ساعت اول سردرگم باشیم و چند دقیقه یک‌بار، چشم و دستمان دنبال ابزاری برای اتصال به دنیای مجازی بگردد، ولی بعد از گذشت این چند روز خواهیم دید که چقدر تجربه‌های جدید داشته‌ایم.

می‌شود یک دل سیر، زندگی به سبک دیگر را تجربه کرد. اگر دستمان حس خالی بودن دارد، می‌توان کتابی دست گرفت.

می‌توان پیچ رادیو را باز کرد، دمنوشی آماده کرد، با آرامش کتاب را ورق زد و دمنوش را نوشِ جان کرد.

می‌توان رو به قبله نشست و دقایقی را به ذکر و دعا گذراند.

می‌توان حالا که دنیای مجازی را تعطیل کرده‌ایم، سراغ آدم‌هایی رفت که حضورشان در کنار فناوری کمرنگ است.

می‌توان چند روزی را صرف خواندن مطالب عمیق کرد و زندگی را با دست لمس نمود.

گلی در گلدان کاشت، درختی هرس کرد، یک غذای جدید پخت، توپی برداشت و یک ساعت توپ‌بازی کرد.

می‌توان دنیای حبابی مجازی را چند صباحی کنار گذاشت تا مغز داغ ما از انبوه دغدغه‌ی شایعات و شبهات و بحث و جدل‌ها، فرصت خنک شدن پیدا کند و بتواند به اهداف بزرگ‌تر بپردازد.

## روز سی و دوم

دوران دانشجویی یک هم‌اتاقی داشتم که هنوز با یکدیگر گپ و گفت و رفت و آمد داریم.

مدتی بود هر چند روز یک‌بار، تصویری ناراحت کننده می‌فرستاد؛ یک روز عکس فردی که در سرما یخ زده است، روز دیگر عکس کوله‌بران، روز دیگر عکس یک تصادف فجیع و...

امروز هنگام غروب، دوباره عکسی فرستاد.

برایش نوشتم:

«بس است دیگر.

وقتی کاری از دست ما بر نمی‌آید این خبرها به چه کارمان می‌آید؟

ظرفیت آدمی محدود است.

با این عکس‌ها فقط وقت و انرژی ما صرف می‌شود.

در این کره خاکی میلیون‌ها نفر با انواع مشکلات زندگی می‌کنند، اگر حتی همه‌ی عمرم را صرف کنم، هنوز هم برای کسب اطلاعات از مشکلات مردم دنیا کم است.

ولی آیا صرف اطلاعات، کاری پیش می‌برد؟

جز اینکه جسم و روحم روز به روز پژمرده‌تر شود، چه حاصلی دارد؟

بهتر نیست به جای رصد روزمره مشکلات، عمر محدودمان را صرف حل یک یا چند مشکل کنیم؟»

اگر برای زندگی‌مان هدف یا اهداف مشخصی داشته باشیم و در راستای رسیدن به آن اهداف برنامه‌ریزی

رسول خدا(ص) فرمود: «لا تزول قدماً عبد یوم القیامه حتی یسئل عن اربع عن عمره فیما افناه و عن شبابه فیما ابلاه...»؛ بنده در روز قیامت گام از گام برنمی‌دارد مگر آنکه از چهار چیز پرسیده شود: از عمرش که چگونه سپری ساخته و از جوانی‌اش که چگونه هدر داده است... (الخصال، ص۲۵۳، حدیث ۱۲۵).



مناسبی داشته باشیم، برای عمر محدودمان ارزش بیشتری قائل خواهیم بود.

صِرف کسب اطلاعات ما را اغنا نمی‌کند.

این گوهر عمر را باید در اموری صرف کرد که بتواند ارزشی برای ما فراهم سازد و گشایشی در اجتماع‌مان ایجاد کند.

رسول خدا(ص) فرمود: «لا تزول قدماً عبد یوم القیامه حتی یسئل عن اربع عن عمره فیما افناه و عن شبابه فیما ابلاه...»؛ بنده در روز قیامت گام از گام برنمی‌دارد مگر آنکه از چهار چیز پرسیده شود: از عمرش که چگونه سپری ساخته و از جوانی‌اش که چگونه هدر داده است... (الخصال، ص۲۵۳، حدیث ۱۲۵).

امام حسن مجتبی(ع) فرمود: «وَاعْمَلْ لِدُنْیاکَ کَأَنَّکَ تَعیشُ أَبَداً، وَاعْمَلْ لِاخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ غَداً»؛ برای دنیایت ـ از نظر اقتصاد، صرفه‌جویی و... ـ چنان برنامه‌ریزی کن که گویی قرار است تا ابد زندگی کنی، و برای آخرت خود چنان حرکت و کار کن که گویی فردا خواهی مُرد (بحار الأنوار، ج۴۴، ص۱۳۸، حدیث ۶).

امام علی(ع) نیز فرموده‌اند:

«اوصیکما... بتقوی الله و نظم امرکم»؛ شما را به تقوای الهی و نظم و برنامه‌ریزی در کارها سفارش می‌کنم (نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷).

«إنّ عمرک عدد انفاسک و علیها رقیب یحصیها»؛ عمرت همان تعداد نفس‌های تو است که نگهبانی آن را شمارش می‌کند (منتخب میزان الحکمه، ص۳۷۱، حدیث ۴۵۸۹).

«انّ عمرک مهر سعادتک ان انفذته فی طاعه ربّک»؛ عمر تو، مهریه‌ی سعادت و نیک‌بختی تو است اگر (با برنامه‌ریزی) در مسیر طاعت خدا به کار گرفته شود (شرح غرر الحکم، ج۲، ص۵۰۰).

«احذروا ضیاع الاعمار فیما لا یبقی لکم ففائتها لا یعود»؛ از ضایع کردن عمر در چیزی که ماندگار نیست پرهیز کن، چراکه عمر از دست‌رفته قابل برگشت نیست.

«من اشتغل بغیر المهم ضیّع الاهم»؛ هر کس که به چیزی غیرمهم بپردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد، از دست می‌دهد (میزان الحکمه، حدیث ۱۴۲۱۱).

«شرّ ما شغل به المرء وقته الفضول»؛ بدترین چیزی که آدمی وقت خود را صرف آن می‌سازد، کارهای اضافه است (همان، حدیث ۱۴۲۱۰).

«إِنَّ رَأْیَکَ لا یَتَّسِعُ لِکُلِّ شَیْءٍ فَفَرِّغْهُ لِلْمُهِمِّ»؛ فکر تو وسعتی که همه‌ی امور را فرا گیرد، ندارد، پس آن را برای امور مهم فارغ بگذار (غررالحکم و درر الکلم، حدیث ۵۵۵)

امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «أَعْرَفُ النّاسِ بِحُقُوقِ إِخْوانِهِ، وَأَشَدُّهُمْ قَضاءً لَها، أَعْظَمُهُمْ عِنْدَاللهِ شَأناً»؛ هر کس حقوق همنوعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندی‌های آنها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیتی خاص خواهد بود (احتجاج طبرسی، ج۲، ص۵۱۷، حدیث ۳۴۰).

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز سی و سوم

در عصر فناوری یکی از کارهایی که گاه باید به آن پرداخت، خانه‌تکانی حافظه‌ی دستگاه‌ها است.

امروز مشغول بازبینی انبوهی از مطالب بودم و تلاش می کردم تا حد امکان مطالب بی‌اهمیت و کم‌اهمیت را حذف کنم.

جالب بود چند فیلم خشن از هشت ماه اخیر دیدم و انبوه مطالبی که روزی تیتر اخبار بود اما دو سه روز بعد به فراموشی سپرده شد. نتیجه جالب بود.

در انبوه هجمه‌ی خوراک‌های اطلاعاتی تلخ و شور و تند و...

این من هستم که باید تا حد امکان مراقب باشم طهارت روح و فکرم را حفظ کنم و خود را در معرض انواع هجمه‌ها قرار ندهم.

این روزها، رژیم هجمه‌ی مطالب از رژیم غذایی مهم‌تر است.

امام علی(ع) فرمودند:

«مَنِ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهِمِّ ضَيَّعَ الأَهَمَّ»؛

هر کس که به کار بی‌اهمیت بپردازد، کار مهم‌تر و لازم‌تر را تباه می کند، (الحیات، ج ۱، ص۳۰۸).

«فشدوا عقد المآزر و اطووا فضول الخواصر و لا تجتمع عزیمه و ولیمه»؛

کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به دست آوردن ارزش‌های والا با خوش گذرانی میسر نیست (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۴۱).

مرتب کردن پوشه‌ی عکس‌ها و فیلم‌ها
پاک کردن فایل‌های قدیمی و اضافی

حذف کردن برنامه‌های اضافی شبکه‌های اجتماعی که وقت بیشتری از من میگیره

پاک کردن کانال‌هایی که مطالب جالبی ندارن و از دیر نشون اذیت میشم...

## روزنگار من در عصر فناوری

### روز سی و چهارم

از تجربه‌ی دوران تدریس فهمیده‌ام که وا اسفا! اگر مدرسی اعتماد به نفسش از سوادش بالاتر باشد.

این مسئله به‌ویژه در دروس علوم انسانی بحرانی‌تر است چون در دروس علوم پایه و فنی و مهندسی افراد به‌اندازه‌ی سوادشان می‌توانند درس بدهند، مثلاً اگر کسی فیزیک کوانتوم نخوانده باشد نمی‌تواند درس کوانتوم بدهد یا اینکه در فضای مجازی کانال و گروه آموزشی ایجاد نمی‌کند.

علاوه بر آن، علوم فنی و مهندسی بیشتر درباره‌ی دسته‌ای از روابط ثابتند، مثل اینکه مثلث سه ضلع دارد، اما علوم انسانی فرق دارد.

هر کس می‌تواند ادعا کند، اهل فن است و برای انسان، این موجود پیچیده، نسخه‌بپیچد.

اوج این مشکل را از کجا فهمیدم؟

آن جایی که دیدم برخی افراد که دیروز شاگرد بودند، امروز تنها با خواندن دو تا کتاب و ارائه‌ی پاورپوینت استادشان، صاحب کلاس و درس شده‌اند و همپای استادشان تدریس می‌کنند.

بعضی هم با اعتماد به نفس کاذب و قدرت بیان بالاتر از استادشان، کلاس و منبر پر رونق‌تری دارند، اما چون عمق مطالب کم است و تسلط به کار ندارند، به انحای مختلف به مخاطب ضربه می‌زنند.

متأسفانه اغلب اوقات مخاطب سال‌ها بعد متوجه می‌شود که چه آسیبی دیده است؟

معضل این روزهای این دسته آدم‌های با اعتماد به نفس کاذب (یا به قول استادی، اعتماد به سقف) این است که با وجود انبوه کانال‌ها و گروه‌های تخصصی، هر یک خودشان را صاحب علم می‌دانند و ماشاءالله هم سیاست‌مدار، هم روان‌شناس کودک، هم مشاور خانواده و... شده‌اند و در شبکه‌های اجتماعی، رایگان ابراز فضل می‌کنند.

این روزها مخاطب باید دقت کند که راه و رسم زندگی را از چه کسی می‌آموزد؟

آیا مشاورش فردی خردمند، خیرخواه و کار آزموده است؟

یا تازه از راه رسیده‌ای است که از طریق فضای مجازی هم کسب تجربه می‌کند و هم کسب شهرت؟

امام موسی کاظم(ع) می‌فرمایند: «مُجالَسَهُ أَهْلِ الدّین شَرَفُ الدُّنْیا وَ الاْخِرَه، وَ مُشاوَرَهُ الْعاقِلِ النّاصِحِ یمْنٌ وَ بَرَکَهٌ وَ رُشْدٌ وَ تَوْفیقٌ مِنَ اللهِ، فَإِذا أَشارَ عَلَیکَ الْعاقِلُ النّاصِحُ فَإِیاکَ وَ الْخِلافَ فَإِنَّ فی ذلِکَ الْعَطَبَ»؛

همنشینی اهل دین، شرف دنیا و آخرت است و مشورت با خردمندِ خیرخواه، یمن و برکت و رشد و توفیق از جانب خداست. هرگاه خردمند خیرخواه به تو نظری داد، مبادا مخالفت کنی که مخالفتش هلاکت‌بار است (تحف العقول، ص۳۸۳؛ الحیات، ج۱).

امام صادق(ع) فرمودند: «شاور فی امورک مما یقتضی الدین، من فیه خمس خصال: عقل و حلم و تجربه و نصح و تقوی»؛

در کارهای خود ـ که از نظر دین نیز جایز باشد ـ با کسی مشورت کن که در او پنج خصلت باشد: عقل، بردباری، آزمودگی، خیرخواهی و پرهیزگاری (الحیات، ج۱، فصل۴۳).

امام علی(ع) فرمودند: «مُشاوَرَهُ الجاهِلِ المُشفِقِ خَطَرٌ»؛

مشورت کردن با آدم دلسوز ولی جاهل و نادان برای انسان خطرناک است (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۰۰۸۵).

و نیز حضرت می‌فرمایند: «افضل من شاورت ذوالتّجارب، و شرّ من قارنت ذوالمعایب»؛

بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی انسان با تجربه است و بدترین همراه، انسان خطاکار پرعیب (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۰۰۸۵).

## روز سی و پنجم

امروز سالگرد درگُذشتِ «عزیزجون» است. هر چه می گذرد و خاطرات بچگی را با دید بزرگسالی مرور می کنم، بیشتر دل تنگ مادربزرگ می‌شوم، مادربزرگی که با سخاوت و دقت نظرش و هدایای ماندگار و تأثیرگذارش، تأثیر عاطفی و اخلاقی ویژه‌ای بر من داشته است.

هر سال به مناسبت سالگرد تولدمان، تلفن می‌زد، قراری تعیین می کرد که به دیدارمان بیاید و هدیه‌اش را بدهد. هر سفری که می‌رفت، هر چند کوتاه، سوغات می آورد و بعد از بازگشت از سفر به‌دنبال فرصتی بود که ما را ببیند و سوغاتی‌هایمان را بدهد.

فرقی نمی‌کرد سفرش سفرِ زیارتیِ نیم‌روزه به یکی از امامزاده‌های حومه‌ی شهر باشد، یا یک سفر درمانی؛ به هر حال سوغاتی بود و شادی و هیاهوی بچه‌ها.

آن روزها که «روزه اولی» بودن ویژگی خاصی نبود، عزیزجون بود که اولین افطارِ زندگی‌ام را با خاطره‌ی خوشی در ذهنم رقم زد. سال‌های بعد هم در هر شرایط جسمانی که بود، مقید بود یک شب جمعه در ماه رمضان میزبان افطارمان باشد.

همیشه در جستجوی فرصتی بود برای دیدن و هدیه دادن.

با مَثَل ها و مَثَل هایش برای‌مان درس زندگی می گفت.

عزیزجونم نه مدرسه و دانشگاه رفته بود و نه از دنیای فناوری اطلاعی داشت.

ولی «نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت؛ به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد.»

هر چه در پستی و بلندی‌های زندگی بیشتر بالا و پایین می‌روم، بیشتر درایت و توانمندی‌های مادربزرگم را کشف می کنم و صد افسوس که فرصت دیدارش دیگر نیست. هر ماه رمضان که می آید، یاد سفره افطار اولین روزه‌ام هستم و هر شب جمعه‌ی ماه رمضان به یاد آن سفره‌های افطار شب جمعه.

هر سالگرد تولدم، ضمیر ناخودآگاهم چشم انتظار تبریک مادربزرگ است.

این روزها، بیشتر و بیشتر دل تنگش هستم و عمیق‌تر می‌فهمم که سر منشأ بسیاری از داشته‌های خوب روحی و فکریم، مادربزرگم بودند.

ای کاش هنوز هم فرصت دیدارش بود، چون حالا آن‌قدر گوهرشناس شده‌ام که اگر بود، حتی اگر اهل فناوری هم بود، در دنیای مجازی جویای حالش نمی‌شدم، حتی به تلفن هم بسنده نمی کردم، بلکه حتماً به دیدارش می‌رفتم تا روی ماهش را ببینم و صدایش بزنم و بگویم: «عزیزجون»

و او با صدای پر محبّتش جواب دهد: «جون دِلَم، دردت به جیگرم».

چقدر زود دیر شد.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «تَزاوَرُوا فَاِنّ فی زیارَتِکم اِحیاءِ لِقُلُوبِکم وَ ذِکراً لِاَحادیثِنا وَ اَحادیثُنا تُعطِّفُ بَعضُها عَلی بَعضٍ فَاِن اَخَذتُم بِها رَشَدتُم وَ نَجوتُم وَ اِن تَرَکتُمُوها ضَلَلتُم وَ هَلَکتُم فَخُذُوا بِها وَ اَنَا بِنَجاتِکم زَعیمٌ»؛
به دیدار یکدیگر بروید که بی گمان این دیدارها، زنده‌کننده دل‌های شما و یادکردی از سخنان ماست و سخنان ما شما را به یکدیگر مهربان می‌سازد و اگر بدان عمل کنید، ره می‌یابید و رهایی پیدا می کنید و اگر آن را کنار نهید، ره گم می کنید و نیست می‌شوید. پس آن را سرلوحه‌ی خود کنید که من ضامن نجات و رهایی شما هستم.
(بحار الأنوار، ج۷۴، ص۲۵۸).

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مَن زارَ اَخاهُ فِی اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ قالَ اللهُ جَلَّ وَ عَزَّ اِیای ذُرتَ وَ ثَوابُک عَلَی وَ لَستُ اَرضی لَک ثَواباً دُونَ الجَنَّه»؛
هر که به‌خاطر خدای عزّ و جلّ با برادر خود دیدار کند، خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: تو در حقیقت مرا دیدار کردی و پاداش تو بر عهده من است و من به پاداش کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم.
(اصول کافی، ج۲، ص۱۷۶).

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «اَیما مُسلِمٍ زارَ مُسلِماً فَلَیسَ اِیاهُ زارَ، اِیای زارَ وَ ثَوابُهُ عَلَی الجَنَّه»؛
هر مسلمانی که به دیدار مسلمانی برود او را نه، بلکه مرا زیارت کرده است و پاداش او بر عهده‌ی من و بهشت است.
(سفینه البحار، ج۲، ص۵۶۷).

## روز سی و ششم

چه صبح دل‌انگیزی!

اولین پیام‌های صبحگاهی که امروز دیدم، چند لطیفه شاد بود، به قولی شوخی حلال.

شروع خوب در ابتدای روز، حس خوبی برای تمام روز به آدم می‌دهد.

البته امان از وقتی که ببینی این فناوری با شمشیر دو لبه‌اش، در لفافه‌ی طنز و شوخی به فرد یا گروه خاصی بی‌حرمتی می کند، پرده‌دری می کند یا دروغی را منتشر می کند.

زبان فارسی زبان طنازی است که با توجه به دایره‌ی واژگان، فضای طنز و شوخی را برای افراد تسهیل می کند. اما این یک هنر است که بتوان روحیه‌ی شوخ طبعی جامعه و قابلیت زبان فارسی را به سمت شوخی حلال برد، یا به سمتی که به اسم شوخی حرف ناحقی زده شود، قداستی شکسته شود، تمسخری رخ دهد یا...

رسول اکرم(ص) فرمودند:

«مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَرَّنِی فَقَدْ سَرَّ اللَّه»؛

هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است (اصول کافی، ج۲، ص۱۸۸؛ مفاتیح الحیات، ص۲۹۴).

«انی لا امزح و لا أقول الّا حقّاً»؛

من شوخی نمی کنم و سخنی نمی گویم، مگر آنکه در چارچوب حق باشد (بحار الأنوار، ج۶۶، ص۷).

«ویلٌ للذِی یُحَدِّثُ فَکذب لِیَضْحَکِ به القوم ویل له، ویل له»؛

وای بر کسی که کلام دروغی را نقل کند تا دیگران بخندند. وای بر او، وای بر او (بحار الأنوار، ج۷۴، ص۴۸).

«لا تَمزَحْ فیُذهب بهاؤُک»؛

از شوخی [زیاد] بپرهیز؛ زیرا ارزش و قداستت شکسته می‌شود (همان).

امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «لا تُمارِ فَیَذْهَبَ بَهاؤُکَ وَ لا تُمازِحْ فَیُجْتَرَأَ عَلَیْکَ»؛

جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند (تحف العقول، ص۴۸۶).

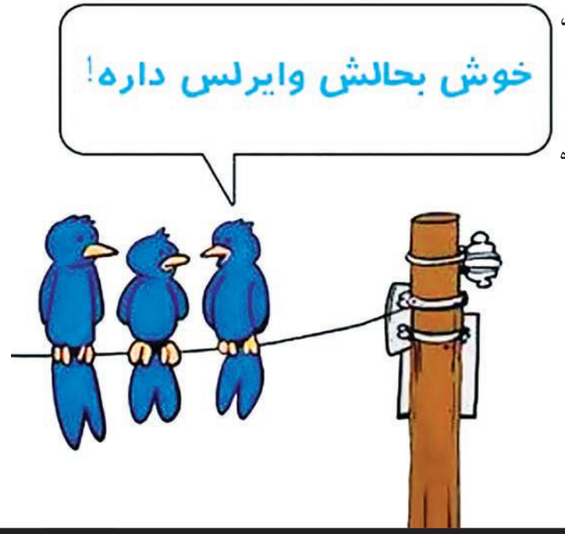


## روز سی و هفتم

شبهه پشت شبهه!

افرادی با هدف طراحی می کنند و برخی بدون مطالعه و بی‌هدف، منتشر می کنند.

عزیز من! جان من!

اگر در پی کشف پاسخ هستی نباید از افرادی با سطح سواد خودت یا کمتر بپرسی، چون فقط ذهن آنها را هم درگیر این شبهات کرده‌ای.

اگر به‌دنبال کشف پاسخ هستی باید به سراغ اهل فن بروی و پاسخ شبهه را مستقیم و خصوصی از اهل فن بپرسی. اگر هم در صدد پاسخ نیستی، چرا مطالب این چنینی را منتشر و تکثیر می کنی؟

در موارد متعدد دیده‌ام افرادی که شبهه‌ای را مطرح کرده‌اند و برای پاسخ، آنها را به فلان استاد یا فلان کتاب ارجاع داده‌ام تا مرجعی برای پاسخ شبهه‌شان باشد، به‌دنبال پاسخ نرفته‌اند،

چون ظاهراً وقت ندارند ولی ساعت‌ها وقت دارند که به‌عنوان تفریح، شبهات جدید بعدی را بخوانند و منتشر کنند.

امام علی(ع) فرمودند:

«وَ إنَّما سُمِّیَت الشُّبْهَهُ شُبْهَهً لانَّها تُشْبِهُ الْحَقَّ. فَاَمّا اَوْلِیاءُ اللّهِ فَضِیاؤُهُمْ فیهَا الْیَقینُ، وَ دَلیلُهُمْ سَمْتُ الْهُدی وَ اَمّا اَعْداءُ اللّهِ فَدُعاؤُهُمْ فیهَا الضَّلالُ، وَ دَلیلُهُمُ الْعَمی. فَما یَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خافَهُ، وَ لا یُعْطَی الْبَقاءَ مَنْ اَحَبَّهُ»؛

شبهه را به این خاطر شبهه می گویند که شبیه حق است.

اما چراغ اولیای خدا در امور شبهه‌ناک یقین و راهنمایی‌شان راه هدایت است. ولی دعوت‌کننده دشمنان خدا در مسیر شبهه ضلالت و راهنمای آنان کوردلی است. نه ترس از مرگ علت نجات است و نه عشق به بقا عامل جاودانگی است (نهج البلاغه، خطبه ۳۸)

«إنَّمَا بَدْءُ وُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْکَامٌ تُبْتَدَعُ یُخَالَفُ فِیهَا کِتَابُ اللَّهِ وَ یَتَوَلَّی عَلَیْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَی غَیْرِ دِینِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ یَخْفَ عَلَی الْمُرْتَادِینَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِینَ وَ لَکِنْ یُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَیُمْزَجَانِ فَهُنَالِکَ یَسْتَوْلِی الشَّیْطَانُ عَلَی أَوْلِیَائِهِ وَ یَنْجُو الَّذِینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَی»؛

همانا ابتدای ظهور فتنه‌ها، هواهایی است که پیروی می‌شود، و احکامی که در چهره‌ی بدعت خودنمایی می کند، در این فتنه‌ها و احکام با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردانی مردان دیگر را بر غیر دین خدا یاری و پیروی می‌نمایند. اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق‌جویان پوشیده نمی‌ماند و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌گشت، زبان دشمنان یاوه‌گو از آن قطع می‌شد. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته می‌شود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود، و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات می‌یابند (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۰).

«فَیَا عَجَباً وَ مَا لِیَ لاَ أَعْجَبُ مِنْ خَطَإِ هَذِهِ الْفِرَقِ عَلَی اخْتِلاَفِ حُجَجِهَا فِی دِینِهَا لاَ یَقْتَصُّونَ أَثَرَ نَبِیٍّ وَ لاَ یَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِیٍّ وَ لاَ یُؤْمِنُونَ بِغَیْبٍ وَ لاَ یَعِفُّونَ عَنْ عَیْبٍ یَعْمَلُونَ فِی الشُّبُهَاتِ وَ یَسِیرُونَ فِی الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفُ فِیهِمْ مَا عَرَفُوا وَ الْمُنْکَرُ عِنْدَهُمْ مَا أَنْکَرُوا مَفْزَعُهُمْ فِی الْمُعْضِلاَتِ إِلَی أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِیلُهُمْ فِی الْمُهِمَّاتِ عَلَی آرَائِهِمْ کَأَنَّ کُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ إِمَامُ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِیمَا یَرَی بِعُرًی ثِقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْکَمَاتٍ»؛

در شگفتم، چرا در شگفت نباشم از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند، نه گام بر جای گام پیامبر (ص) می‌نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند، نه به غیب ایمان می‌آورند و نه خود را از عیب بر کنار می‌دارند، به شبهات عمل می کنند و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است

# روزنگار من در عصر فناوری

که می‌پندارند و زشتی‌ها همان اســت که آنها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند، گویا هر کدام، امام و راهبر خویشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند، چنگ می‌زنند.
(همان، خطبه‌ی ۸۸).

«أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أُحَذِّرُكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ فَإِنَّهُمُ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ وَ الزَّالُّونَ الْمُزِلُّونَ يَتَلَوَّنُونَ أَلْوَاناً وَ يَفْتُنُونَ افْتِنَاناً وَ يَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ وَ يَرْصُدُونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ قُلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ وَ صِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ يَمْشُونَ الْخَفَاءَ وَ يَدِبُّونَ الضَّرَاءَ وَصْفُهُمْ دَوَاءٌ وَ قَوْلُهُمْ شِفَاءٌ وَ فِعْلُهُمُ الدَّاءُ الْعَيَاءُ حَسَدَةُ الرَّخَاءِ وَ مُؤَكِّدُو الْبَلَاءِ وَ مُقْنِطُو الرَّجَاءِ لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ صَرِيعٌ وَ إِلَى كُلِّ قَلْبٍ شَفِيعٌ وَ لِكُلِّ شَجْوٍ دُمُوعٌ يَتَقَارَضُونَ الثَّنَاءَ وَ يَتَرَاقَبُونَ الْجَزَاءَ إِنْ سَأَلُوا أَلْحَفُوا وَ إِنْ عَذَلُوا كَشَفُوا وَ إِنْ حَكَمُوا أَسْرَفُوا قَدْ أَعَدُّوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلاً وَ لِكُلِّ قَائِمٍ مَائِلاً وَ لِكُلِّ حَيٍّ قَاتِلاً وَ لِكُلِّ بَابٍ مِفْتَاحاً وَ لِكُلِّ لَيْلٍ مِصْبَاحاً يَتَوَصَّلُونَ إِلَى الطَّمَعِ بِالْيَأْسِ لِيُقِيمُوا بِهِ أَسْوَاقَهُمْ وَ يُنْفِقُوا بِهِ أَعْلَاقَهُمْ يَقُولُونَ فَيُشَبِّهُونَ وَ يَصِفُونَ فَيُمَوِّهُونَ قَدْ هَوَّنُوا الطَّرِيقَ وَ أَضْلَعُوا الْمَضِيقَ فَهُمْ لُمَةُ الشَّيْطَانِ وَ حُمَةُ النِّيرَانِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛

ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و از منافقان بر حذر می‌دارم. منافقان، گمراهان و گمراه کنندگان‌اند. خود خطا کارند و دیگران را هم به خطا اندازند. هر بار رنگی به خود گیرند و هر روز سخنی دیگر گویند و شیوه‌ای دیگر انگیزند، تا شما را گمراه کنند به هر وسیله‌ای چنگ می‌زنند و در هر جا به کمین می‌نشینند.

دل‌هایشــان بیمار اســت، بیماری‌ای درمان‌ناپذیر، ولی ظاهرشان آراسته و پاکیزه اســت. در خفا این سو و آن سو روند و چون خزندگان درون جنگل‌ها، نرم و پوشــیده راه می‌سپرند. سخن گفتنشان به دارو ماند و به زبان، شفای دیگران خواهند، ولی به عمــل دردی درمان‌ناپذیرند. اگر دیگران در راحت باشند، رشــک برند که به جد خواستار بلایند و رشــته امیدهــا را می‌برند. در هر راهی، کســانی را فدای خود کــرده، به خاک هلاک افکنده‌اند و ایشان را نزد هر دلی شفاعتگری است. بر هر غمی سرشک‌ها افشــانده‌اند. مدح و ثنا به یکدیگر وام دهند و منتظر پاداشــش باشند. اگر چیزی را خواهند، به اصرار خواهند و اگر مورد ملامت قرار گیرند، پرده‌دری کنند و اگر داوری کنند به اسراف گرایند. برای هر حقی باطلی مهیا کرده‌اند و برای هر راستی، کژی؛ برای هر زنده‌ای، کشنده‌ای و برای هر دری کلیدی و برای هر شبی، چراغی. نومید نمایی را وسیله‌ی آزمندی خود سازند تا بازار خود گرم دارند و کالای خود به بهای بیشــتر بفروشــند. ســخن باطل می گویند و حق جلوه می‌دهند تا دیگران را به اشتباه افکنند. اگر توصیف می کنند، تزویر کنند. طریق باطل را آماده و آسان، جلوه دهند و گذرگاه‌های تنگ آن را پرپیچ و خم سازند تا رونده در آن سرگشته بماند. گروه شیطان‌اند و زبانه‌های آتــش. آنان حزب شیطانند و بدانید که حزب شیطان زیانکاران‌اند.
(نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۴).

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَهِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ»؛ پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبهه توقف کند. عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد. زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید. کوشنده‌ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد (بحار الأنوار، ج۷۵، ص۳۷۳؛ تحف العقول، ص۴۸۹).

امام محمّد باقر(ع) می‌فرمایند: «اَلْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَهِ خَيْرٌ مِنَ الِاقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَهِ وَ تَرْكُكَ حَدِيثاً لَمْ تُرْوَهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثاً لَمْ تُحْصِهِ»؛
توقف در شبهه، بهتر از به هلاکت افتادن است و واگذاشتن (ترک کردن) حدیثی که درستی آن برایت ثابت نشده بهتر است از روایت کردن حدیثی را که بر آن احاطه نداری.
(اصول کافی، ج۱، ص۱۸۵).

## روز سی و هشتم

امروز را باید در این چند ماه اخیر، روز «انقلاب» نام گذاری کنم، زیرا یک‌باره از تعداد زیادی از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیرون آمدم. یک بازنگری گذشته باعث شد، بیشتر دقت کنم که بخش عمده‌ی مطالب، در برخی شبکه‌های اجتماعی، ارزش چندانی ندارد. چون برخی شبهه است، برخی شایعه است، برخی استهزا و تمسخر فرد یا گروه خاصی است، برخی جدل است و...

درست است که برخی روابط دوستی در این گروه‌ها برقرار است ولی آیا این نوع دوستی‌ها مایه‌ی رنج نیست؟

همنشین آدمی در فضای مجازی نیز باید مشخصات همنشین آدمی در دنیای واقعی را داشته باشد. همنشین‌های من در فضای مجازی باید افرادی باشند که سبب رشد معنوی و علمی من باشند.

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «صَدیقُ الْجاهِلِ تَعَبٌ»؛
دوست نادان مایه‌ی رنج است (تحف العقول، ص۴۸۹). یا فرمودند: «لا تُمار فَیذهَبَ بَهاؤُک وَ لا تمازح فَیجتَرَأُ عَلَیک»؛ جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند (همان، ص۴۸۶).
حضرت امام صادق(ع) به عبدالله بن جندب فرمودند: با کسانی که از تو بالاترند ستیزه مکن و کسانی را که از تو پایین‌ترند مورد استهزا و تمسخر قرار مده.
(همان، ص۳۰۴).

رسول اکرم (ص) درباره‌ی معاشرت می‌فرماید: «جالِسُوا الْکُبراءَ وَ سائِلُوا الْعُلَماءَ وَ خالِطُوا الْحُکَماءَ»؛
با بزرگان همنشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید (نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۰۰).
«قال لقمان لابنه: یا بنیّ اختر المجالس علی عینک، فإن رأیت قوماً یذکرون اللّه عزّ و جلّ فاجلس معهم فإنّک إن تک عالماً ینفعک علمک و یزیدوک علماً، و إن کنت جاهلاً علّموک، و لعلّ اللّه أن یظلّهم برحمه فتعمّک معهم، و إذا رأیت قوماً لا یذکرون اللّه فلا تجلس معهم فإنّک إن تک عالماً لا ینفعک علمک، و إن تک جاهلاً یزیدوک جهلاً، و لعلّ اللّه أن یظلّهم بعقوبه فتعمّک معهم»؛
لقمان به فرزندش گفت: فرزندم مجالس را بنگر، پس اگر گروهی را دیدی که یاد خداوند عز و جل را می کنند با آنان بنشین زیرا اگر تو دانشمند باشی، علم تو به آنان سود می‌دهد و علمی به تو افزوده می‌شود و اگر جاهل باشی به تو می‌آموزانند. چه بسا خداوند بر آنان رحمت آورد و تو نیز با آنان، از آن رحمت بهره‌مند می گردی. اما اگر دیدی گروهی یاد خداوند را نمی کنند، با آنان منشین، زیرا اگر عالم باشی از علمت طرفی نمی‌بندند و اگر جاهل باشی، بر جهلت می‌افزایند و چه بسا اگر خداوند آنان را عقوبت کند، تو را هم با آنان در بر گیرد (بنادر البحار، ص۱۱۷، حدیث ۵؛ میزان الحکمه، ج۲).

# روزنگار من در عصر فناوری

# روزنگار من در عصر فناوری

## روز سی و نهم

### برداشت اول:

امروز در یک جلسه کاری، به‌طور اتفاقی خبردار شدم که چند روز قبل یک دوره‌ی آموزشی مهارتی خوب برگزار شده است و من بی‌خبر بوده‌ام. با اینکه افراد زیادی از همکاران در آن دوره شرکت کرده بودند ولی متأسفانه کسی نسبت به اطلاع‌رسانی آن به سایرین اقدام نکرده بودند.

sبرخی وقت‌ها آدمی متحیر می‌شود که در این روزگاری که یک فرد مشهور در یک جلسه عطسه کند یا تُپّقی بزند، در کمتر از ثانیه خبر آن جهانی می‌شود؛ چطور اخبار مفید و کاربردی در این هیاهوی اطلاعات گُم می‌شود.

### برداشت دوم:

دو سال قبل، خواهرم از طریق یک آگهی خبردار شده بود که یک گروه مستندساز برای سفر اربعین به عتبات، نیاز به یک مترجم دارند. آن آگهی را در چند گروه مجازی به اشتراک گذاشت و با همین اقدام، اسباب سفر اربعین یکی از دوستانم فراهم شد؛ بماند که در ادامه مسیر زندگی، آن دوست مترجم در مسابقه‌ی گزارش سفر، برنده شد و یک سفر عتبات را به‌عنوان جایزه نصیب خود کرد. دو سفر معنوی با دریافت یک آگهی!

### برداشت سوم:

چند سال قبل، برای یک نهاد به‌صورت مجازی کاری انجام دادم. فرد رابط آن نهاد مطالبی را برایم از طریق رایانامه (ایمیل) ارسال می‌کرد و من آن مطالب را نقد و بررسی می‌کردم. لابه‌لای این نامه‌های کاری، یک بار آگهی تبلیغاتی یک دوره‌ی آموزشی را برایم فرستاد. جالب بود که دقیقاً همان چیزی بود که مدت‌ها دنبالش بودم و پیدا نمی‌کردم.

سریع آدرس و تلفن محل برگزاری دوره را یادداشت کردم و دو-سه روز بعد به آنجا رفتم و پیش‌ثبت‌نام انجام دادم. در همان حین، مسئول ثبت نام لیست فعالیت‌ها و کلاس‌هایشان را به من داد. دیدم یک دوره‌ی خوب دیگر هم در حال برگزاری است. قرار شد از هفته‌ی بعد آن کلاس را هم بیایم.

جلسه‌ی دوم بود که استاد شناختی نسبت به من پیدا کرد و من را به یکی از آشنایان برای همکاری معرفی کرد. بماند که هیچ وقت آن دوره‌ای که پیش‌ثبت‌نام کردم، برگزار نشد، اما آن آگهی دوره و آن مراجعه‌ی حضوری من و در ادامه، حضور در یک کلاس دیگر، سبب تحولات کاری و اجتماعی زیادی برای من شد. به عبارت دیگر برکت زیادی در آن پیام بود که پس از سال‌ها همچنان ادامه دارد.

### برداشت چهارم:

یک آگهی استخدام، اطلاعیه‌ی یک دوره‌ی آموزشی، معرفی یک دکتر متخصص و مجرب و... همه‌ی این‌ها مصادیق اطلاعاتی است که این روزها به‌راحتی می‌توان در اختیار افراد قرار داد و سبب گشایش یا تحولی در زندگی افراد شد. خیلی از خبرها و آگهی‌ها به کار من نمی‌آید ولی گرهی را باز می‌کند یا سبب گذراندن چند ساعت مفید برای بنده‌خدایی خواهد بود. چه بسا خبری که تُخم خیر شود یا دست به دست بچرخد و روزگاری سرشار از دعای خیر برایمان داشته باشد. از کنار خبرهای این چنینی به‌راحتی نگذریم. بگذاریم وجودمان پربرکت باشد و مردم را از خوب‌ها و خوبی‌ها بهره‌مند کنیم.

امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرمایند: «إنّ مِن أوجَبِ حَقِّ أخیکَ أنْ لاتَکتُمَه شیئاً ینفَعُهُ لأمرِ دُنیاهُ وَ لأمرِ آخِرَتِه»؛
یکی از واجب‌ترین حقوق برادر دینی تو این است که چیزی که به نفع دنیا و آخرت او باشد، از وی پنهان نداری.
(بحار الأنوار، ج۷۸، ص۳۲۹).

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند:
«خَیرُ النّاسِ مَن انتَفَعَ بِهِ النّاس»؛
بهترین مردم آن کسی است که مردم از او بهره‌مند شوند
.(من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۹۶).

امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «إنَّکُمْ فی آجال مَنْقُوصَه وَ أیّام مَعْدُودَه وَ الْمَوْتُ یَأْتی بَغْتَةً، مَنْ یَزْرَعْ خَیْراً یَحْصدُ غِبْطَةً وَ مَنْ یَزْرَعْ شَرّاً یَحْصدُ ندامَةً، لِکُلِّ زارِعٍ ما زَرَعَ لا یُسْبَقُ بَطیءٌ بِحَظِّه، وَ لا یُدْرِکُ حَریصٌ ما لَمْ یُقَدَّرْ لَهُ، مَنْ أُعْطِیَ خَیْراً فَاللّهُ أَعْطاهُ، وَ مَنْ وُقِیَ شَرّاً فَاللّهُ وَقاهُ»؛
شما عمر کاهنده و روزهای برشمرده‌ای دارید و مرگ به ناگهان می‌آید، هر کس تخم خیری بکارد به خوشی بِدْرَوَد، و هر کس تخم شرّی بکارد به پشیمانی بِدْرَوَد.
هر که هر چه بکارد همان برای اوست. کُندکار را بهره از دست نرود و آزمند آنچه را مقدرّش نیست در نیابد، هر که به خیری رسد خدایش داده، و هر که از شرّی رهد خدایش رهانده.
(بحار الأنوار، ج۷۵، ص۳۷۲، باب ۲۹).

امام صادق(ع) می‌فرماید: «لَو جَرَی المَعروفُ عَلی ثَمانینَ کَفّاً لَاجِروا کُلُّهُم فیهِ مِن غَیرِ أن یُنقَصَ صاحِبُهُ مِن أجرِهِ شَیئاً»؛
اگر معروف بر هشتاد دست بچرخد، همه‌ی آنان پاداش می‌برند، بی‌آنکه از پاداش صاحب آن چیزی کم شود.
(اصول کافی، ج۴، ص۱۸).

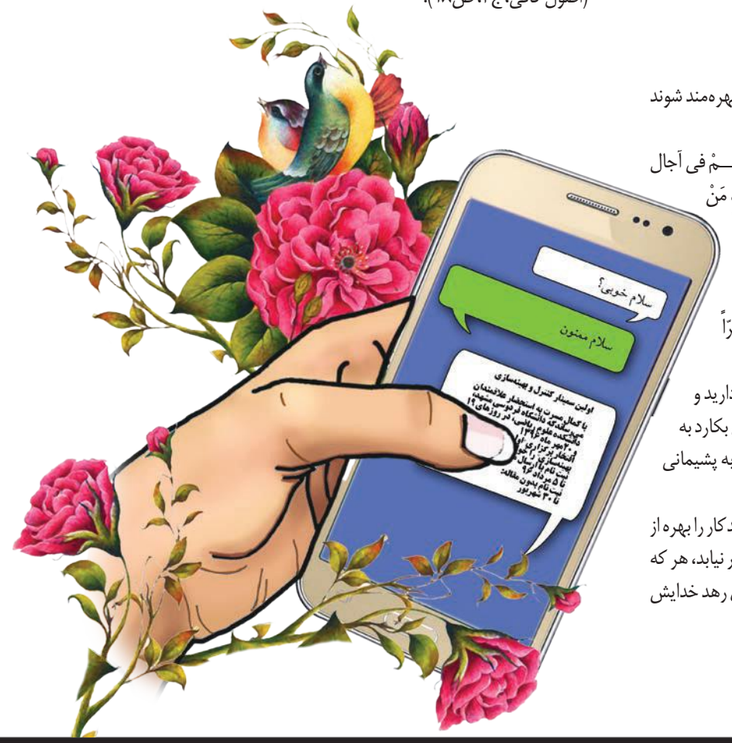

# روزنگار من در عصر فناوری

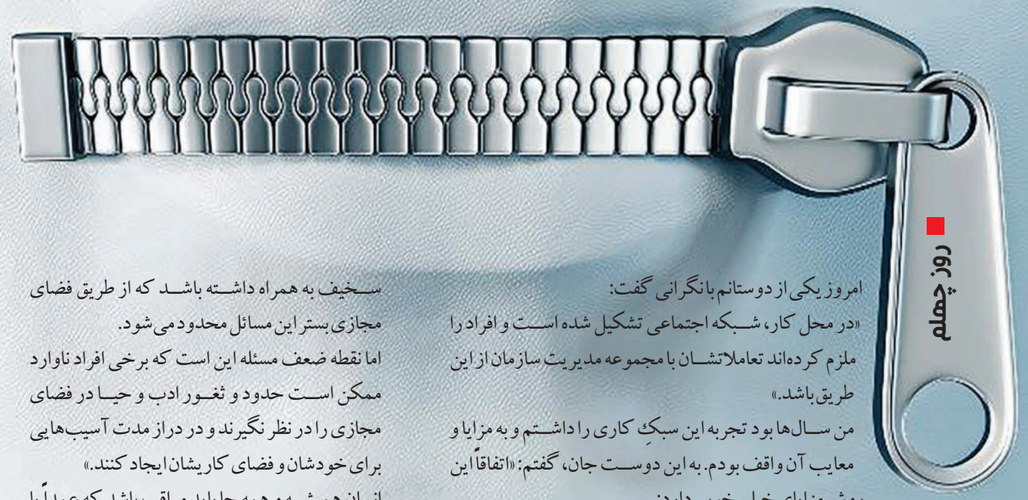

## روز چهلم

امروز یکی از دوستانم با نگرانی گفت:
«در محل کار، شبکه اجتماعی تشکیل شده است و افراد را ملزم کرده‌اند تعاملاتشان با مجموعه مدیریتِ سازمان از این طریق باشد.»
من سال‌ها بود تجربه این سبکِ کاری را داشتم و به مزایا و معایب آن واقف بودم. به این دوست جان، گفتم: «اتفاقاً این روش مزایای خیلی خوبی دارد:

اول، سرعت عمل: نیاز نیست برای رساندن یک پیغام به مدیریت، ساعت‌ها منتظر اتمام زمان جلسات پیاپی مدیران و کسب اجازه مسئول دفتر باشید، بلکه در لحظه پیام را ارسال می کنید و مدیریت نیز در فرصت مقتضی آن را مطالعه می کند و حسب شرایط تصمیم می گیرد.

دوم، صرفه‌جویی در مصرف کاغذ: برای تهیه و اصلاح‌های مکرر گزارش می توان به ارسال فایل‌های الکترونیک بسنده کرد و مدیریت نظرهای اصلاحیشان را در فایل الکترونیک اعلام کنند.

سوم، طهارت روح: تجربه نشان داده که ملاقات‌های حضوری ممکن است حاشیه‌های متنوعی از جمله غیبت، سخن‌چینی، تهمت‌ها یا حتی شوخی‌های سخیف به همراه داشته باشد که از طریق فضای مجازی بستر این مسائل محدود می‌شود.

اما نقطه ضعف مسئله این است که برخی افراد ناوارد ممکن است حدود و ثغور ادب و حیا در فضای مجازی را در نظر نگیرند و در دراز مدت آسیب‌هایی برای خودشان و فضای کاریشان ایجاد کنند.»

انسان همیشه و همه جا باید مراقب باشد که عمداً یا سهواً سبب روابط نادرست نشود. اگر در ادب و حیای متن‌های ارسالی دقت نکنیم، همین معضل در ارتباطات و تعاملات دیگر نیز هست.

همان‌طور که در دنیای واقعی و در جمع‌های حضوری حیا و عفاف باید سر لوحه‌ی روابط افراد باشد، در دنیای مجازی هم باید دقت نظر داشت.

همان‌طور که فرد با حیا، برای تعاملاتش در دنیای حضوری چارچوب‌ها و خطوط قرمزی دارد، این مسائل را در فضای مجازی نیز باید مد نظر قرار دهد.

«لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَه»؛
خودتان را با دستانتان به هلاکت نیفکنید (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۵).
پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی شوخی با زن نامحرم فرمود: «مَن فاکه اِمراه لا یَملکُ ها حَبَس بِه کُلُ کلَمه کَلمَها فی الدُنیا الَف عام فی النّار...»؛
هر کس با زنی نامحرم شوخی کند برای هر کلمه که با او گفته است، هزار سال در آتش دوزخ او را زندانی می کنند... (عِقاب الاعمال، ص ۶۵۲).

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «الشهوات سموم قاتلات»؛
شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی زهرهای کشنده‌اند.
(غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۰).
امام علی(ع) فرمودند: «طهروا انفسکم من دنس الشهوات تدرکوا رفیع الدرجات»؛
نفس خود را از پلیدی شهوت‌رانی پاک سازید تا به درجه‌های بلند آخرت دست یابید.
(همان، ج ۲، ص ۴۷۲).
رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: «جاهدوا انفسکم علی شهواتکم تحلّ قلوبکم الحکمه»؛
با شهوت‌تان مبارزه کنید تا حکمت و دانش در دل‌های شما وارد گردد. (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۲).

## کلام آخر

امام حسن عسکری (ع): أُوصیکُمْ بِتَقْوَی اللهِ وَ الْوَرَع فی دینِکُمْ وَ الإجْتَهادِ للهِ وَ صِدْقِ الْحَدیثِ وَ أَداءِ الأَمانَهِ إلی مَنِ ائْتَمَنَکُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوار. فَبِهذا جاءَ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله و سلم) صَلُّوا فی عَشائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ. فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ إذا وَرَعَ فی دینِهِ وَ صَدَقَ فی حَدیثِهِ وَ أَدَّی الأمانَهَ وَ حَسَّنَ خُلْقَهُ مَعَ النّاس، قیلَ: هذا شیعیٌّ. فَیَسُرُّنی ذلِکَ. إتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا زَیْناً وَ لا تَکُونُوا شَیْناً، جُرُّوا إلَیْنا کُلَّ مَوَدَّه وَ ادْفَعُوا عَنّا کُلَّ قَبیح، فَإِنَّهُ ما قیلَ فینا مِنْ حَسَن فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ ما قیلَ فینا مِنْ سُوء فَما نَحْنُ کَذلِکَ.

لَنا حَقٌّ فی کِتابِ اللهِ وَ قَرابَهٌ مِنْ رَسُولِ اللهِ وَ تَطْهیرٌ مِنَ اللهِ لا یَدَّعیهِ أَحَدٌ غَیْرُنا إلاّ کَذّابٌ. أَکْثِرُوا ذِکْرَ اللهِ وَ ذِکْرَ الْمَوْتِ وَ تِلاوَهَ الْقُرآنِ وَ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَإِنَّ الصَّلاهَ عَلی رَسُولِ اللهِ عَشْرُ حَسَنات، إحْفَظُوا ما وَصَّیْتُکُمْ بِهِ وَ أَسْتَوْدِعُکُمُ اللهَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ.

شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره‌ی کسی که شما را امین دانسته ـ نیکوکار باشد یا بدکار ـ و طول سجود و حُسنِ همسایگی سفارش می کنم. محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) برای همین آمده است. در میان جماعت‌های آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه‌ی آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته می‌شود: این یک شیعه است، و این کارهاست که مرا خوشحال می‌سازد. تقوای الهی داشته باشید، مایه‌ی زینت باشید نه زشتی، تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه‌ی زشتی را از ما بگردانید، زیرا هر خوبی که درباره‌ی ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی که درباره‌ی ما گفته شود، ما از آن به دوریم. در کتاب خدا برای ما حقّی و قرابتی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدّعی این مقام نیست، مگر آنکه دروغ می گوید. زیاد به یاد خدا باشید، زیاد یاد مرگ کنید، زیاد قرآن تلاوت نمایید و زیاد بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سلام و تحیّت بفرستید، زیرا صلوات بر پیامبر خدا (ص) دَه حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا می‌سپارم، و سلام بر شما. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲)

رعنا شکوهی ستا

# روزنگار من در عصر فناوری

فناوران توسعه امن ناجی

Naji Secure Development
Technologist co